

حامیان و مدافعین تروریسم جمهوری اسلامی را طرد و افشا کنیم!
کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۶ جولای ۲۰۲۲

صفحه ۱۲

انقلاب زنانه به چه معنا است؟

حمید تقوایی
صفحه ۶

قرار در باره اهمیت و امکان برپایی اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی

در جلسه سوم ژوئیه ۲۰۲۲ - ۱۲ تیر ۱۴۰۱ دفتر سیاسی تصویب شد.

صفحه ۲

پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو به قیمت نقض حقوق انسانی

سوآلی از حسن صالحی دبیر کمیته اسکاندیناوی حزب کمونیست کارگری



صفحه ۳

وحشت حکومت در برابر جامعه پر خروش

شهلا دانشفر
صفحه ۴

طالبان قابل تطهیر و مشروعیت نیست

سیامک بهاری
صفحه ۸

خصوصی سازیها و بیکارسازیهای وسیع کارگران

محمد شکوهی
صفحه ۱۰

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری کمیته آذربایجان - کمیته کردستان - کمیته اسکاندیناوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

صفحه ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ و ۱۳

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۸۰
جمعه ۱۷ تیر ۱۴۰۱ - ۸ جولای ۲۰۲۲

"یارگیری" از درون حکومت

کاظم نیکخواه

صفوف بالای حکومت اسلامی و نیروهای امنیتی اش با توجه به فضای اعتراضی و سرنگونی طلبی در جامعه و همچنین ترورهای پی در پی، آشکارا وحشت زده شده و به هم ریخته و هرکدام تلاش میکنند اوضاع را حتی المقدور آرام نمایند. روز گذشته حسین فدوی یکی از سرداران و معاون فرمانده سپاه پاسداران نسبت به "یارگیری دشمن در داخل کشور" هشدار داد و گفت "باید همه مراقب باشند که فریب دشمن را نخورند". منظور او از یارگیری در داخل کشور در واقع یار گیری از داخل رژیم است. و این هشدار که حواستان باشد فریب نخورید، هشدار بسیار جالبی است و مخاطبش حکومتیان است! قویا شایع است که برکناری حسین طائب رئیس اطلاعات سپاه و معاون فرمانده کل سپاه پاسداران به ظن جاسوسی برای اسرائیل بوده است. بعلاوه یکی از سرداران معاون فرمانده کل سپاه نیز که تازگی برکنار شده گفته میشود که جاسوس بوده است. مستقل از اینکه این شایعه حقیقت داشته باشد یا نه، نفس این نوع جابجاییها و هشدارها گویای فضای بشدت بهم ریخته و وحشت زده بالای حکومت و راس نیروهای

امنیتی است. هفته گذشته آخوند طیبی فر نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران در سخنرانی در جمعی از سران سپاه گفت "باید نیروهای تربیت پیدا کنند تا بدون ترس و واهمه دست روی ماشه داشته باشند تا از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مبانی ارزشی و اعتقادی آن دفاع کنند". خامنه ای هم قبل از آن از نیروهای آتش به اختیار و اینکه خدای سال شصت همان خدای کنونی است سخن گفته بود. اینها چند نمونه از نمونه های بسیار از هشدار سران حکومت به صفوف خودشان است. "یارگیری"، "هشدار در مورد فریب دشمن"، "دست روی ماشه بدون ترس"، و "دهه شصت". این سخنان فقط میتواند از دهان کسانی در بیاید که خطر را در بیخ گوش خود احساس میکنند و خود را در محاصره می بینند. چرا باید پاسدار و بسیجی مدام دست روی ماشه داشته باشد؟ چرا باید در مورد نفوذ در صفوف حکومت هشدار داد؟ چرا باید از یارگیری از داخل سخن گفت؟ موضوع فقط نفوذ "دشمن خارجی" در صفوف حکومتیان نیست. در واقع مشکل اصلی تری وجود دارد که باعث میشود ادامه در صفحه ۲

قرار در باره اهمیت و امکان برپایی اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی

پیشرفت جنبش اعتراضی کارگران و مردم علیه رژیم اسلامی شرایط بسیار مناسبی را برای شکل دادن به اعتصابات همزمان و سراسری و شکل گرفتن اعتصاب عمومی

فراهم آورده است. تا کنون برخی اعتصابات و اعتراضات نظیر اعتصاب کارگران نفت و پتروشیمی، اعتصاب و اعتراض معلمان و بازنشستگان، اعتصابات اختطاری کارگران مخابرات، راه آهن، کادر درمان، و اعتصاب رانندگان کامیون، ابعادی سراسری داشته اند. مادران دادخواه نیز همه بخشهای جامعه را به اعتصاب سراسری فراخوانده اند. در

این شرایط حتی شکل گرفتن اعتصابات در چندین شهر از جانب کسبه و بازاریان نیز نشانه ای از حرکت جامعه به سمت اعتصاب عمومی است. اعتصابات گسترده علیه جمهوری اسلامی سپر محافظتی قوی مردم در مقابله با گرانی و فقر و بی حقوقی است، پشتوانه نیرومندی برای اعتراضات و تظاهرات و تجمعات

توده ای است و با فلج کردن ماشین دولتی توان سرکوب این اعتراضات را از حکومت سلب خواهد کرد. حزب کمونیست ایران فعالین جنبشهای اجتماعی، کارگران، دانشجویان، پرستاران، کارکنان بخش خدماتی و همه بخش های جامعه را به حمایت و پشتیبانی وسیع از مبارزات یکدیگر حول خواستههای پایه ای و

عمومی و تدارک اعتصابات سراسری و همزمان فرا می خواند. شکل گیری اعتصابات سراسری و همزمان که همه بخشهای جامعه را در برگیرد یک گام بسیار مهم در جهت سرنگونی حکومت اسلامی است.

در جلسه سوم ژوئیه ۲۰۲۲ - ۱۲ تیر ۱۴۰۱ دفتر سیاسی تصویب شد.

ادامه از صفحه ۱

نفوذ دشمنان در صفوف حکومت، آنهم در رده های بالای آن افزایش یابد. و ان بی اعتمادی و بی روحیه گی در میان نیروهای حکومت و ترس و وحشت از آینده است. این ترس و وحشت از آینده در میان نیروهای حکومت، اساسا از فضای بشدت ملتهب جامعه بر می خیزد. همه کس امروز میدانند که بخشهای مختلف مردم وسیعا از حکومت منزجرند. سرنگونی طلبی بیش از هر زمانی همه جای جامعه را فراگرفته است. هیچکس در صفوف مردم با این حکومت آینده دلچسب و قابل تحمیلی برای خود نمی بیند. گرانی هر روز فزاینده تر و کمر شکن تر میشود و محرومیت و فقر زندگی را بر مردم تنگ کرده است. تهیه ساده ترین غذا برای بخش زیادی از مردم بسیار مشکل و مشقت بار شده است. حتی از اقشار میانی جامعه بسیاری اکنون به فقر و نا امنی رانده شده اند. بحث فقط بر سر اوضاع اقتصادی و مالی نیست. کلا روند اوضاع،

گویای آینده سخت تری برای همه مردم است. این حکومت منشاء بحرانهای بین المللی، در هم ریختگی اجتماعی، گسترش ناهنجاریها و نا امنی ها و عقب گردها و اعدام و زندان و ترور، و کلا بحران و بی افقی اقتصادی و سیاسی در جامعه است. حتی بخشهای مرفه تر مردم با وجود این رژیم آینده امن و روشنی برای خود نمی بینند و بسیاری از آنها در نگرانی و اضطراب زندگی میکنند. در این شرایط موجی از نفرت و سرنگونی طلبی در سراسر جامعه جریان دارد. این واقعیت است که روحیه دست اندرکاران ریز و درشت حکومت اسلامی را بشدت پایین آورده و به هم ریخته و اختلافاتشان را تشدید کرده است. خبرها و گزارشات از تشدید اختلافات و نزاعها و درگیریها و جابجایی ها در صفوف حکومت از بالا تا پایین حکایت دارند. در این شرایط است که در درون حکومت خیلی ها اعتماد خود را از حکومتشان و از آینده خود از دست میدهند و براحتی با پول و وعده و وعید

حاضر به همکاری با نیروها و دولتهای دیگر میشوند. و در این شرایط است که هشدار دادنها از جانب آخوندها و سرداران حکومت افزایش یافته و در مورد نفوذ و یارگیری و دست روی ماشه داشتن و دفاع از "دستاوردهای انقلاب اسلامی" مدام روضه خوانی میکنند. جابجایی ها در پستهای کلیدی و امنیتی نیز از همین ترس و نگرانی سرچشمه میگردد.

این ارزیابی بهیچ وجه به معنای دست کم گرفتن ظرفیتهای جنایت حکومت نیست. اینها یک باند مافیائی و آدمکش و جنایتکار اسلامی هستند و تجربه نشان داده است که برای بقای خود حاضرند به راحتی زندگی مردم را قربانی کنند. تشدید دستگیریها و سرکوب و اعدامها اولین راهی است که آنها برای حفظ رژیم ضد انسانی اسلامی در پیش گرفته و به آن فکر میکنند و هم اکنون نیز طلیعه های آنها با تشدید دستگیری معلمان معترض و جوانانی که سنتهای اسلامی حکومت را

زیر پا گذاشته اند شاهد هستیم. باید برای مقابله با این سیاستها آمادگی داشت. اما این سیاستها نیز حتی اگر جرات کنند آنها تشدید کنند کمی به آنها نخواهد کرد و میتواند برایشان نتیجه کاملا عکس داشته باشد.

مردم این کشور آشکارا جمهوری اسلامی را پس زده اند، این حکومت را نمیخواهند و میدانند که راهی ندارند جز اینکه خود را از شر آن خلاص کنند.

فکر میکنم هیچکس امروز در جامعه وجود ندارد که فکر کند این حکومت ماندنی است. باید امیدوار بود که با گسترش اختلافات و نزاعها و احساس بی آیندگی، قدرت سرکوب این حکومت تا حد زیادی تحلیل برود، و بتوان با گسترش اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی و خیزشهای شهری و نهایتا یک قیام همگانی، کار آنها را هزینه انسانی هرچه کمتری تمام کرد.



قدردانی از مصطفی صابر
دفتر سیاسی از مصطفی صابر که سالها بعنوان رئیس دفتر سیاسی نقش بارزی در پیشروی و در تقویت فضای همدلی و اتحاد صفوف حزب ایفا کرده، قدردانی میکند و برای او در انجام فعالیتهای حزبیش آرزوی موفقیت مینماید.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری
۷ ژوئیه ۲۰۲۲

پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو به قیمت نقض حقوق انسانی

سوالی از حسن صالحی
دبیر کمیته اسکندیناوی
حزب کمونیست کارگری

انترناسیونال: بدنبال تهاجم نظامی روسیه به اوکراین فنلاند و سوئد اعلام کردند که به ناتو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی می پیوندند. ترکیه که عضو ناتو است ابتدا با پیوستن آنها به بهانه اینکه این دولتها از تروریسم حمایت میکنند که منظورش اپوزیسیون اردوغان و مشخصا نیروهای کرد بود، مخالفت کرد. بعد از توافقاتی بالاخره دولت اردوغان اعلام کرد از حق ونوی خود برای پیوستن فنلاند و سوئد کوتاه می آید و عملا با توافقاتی که با دولتهای فنلاند و سوئد انجام داد از تهدیدات حق وتو دست برداشت. سوال ما مشخصا این است توافقات انجام شده کدامها هستند و این دولتها قرار است در قبال اپوزیسیون کرد ترکیه چه برخوردی داشته باشند؟

حسن صالحی: توافقی که بین دولت ترکیه و دول

سوئد و فنلاند صورت گرفته است چندین محور دارد که در واقع بیشتر به سوئد و ترکیه برمی گردد. یکی از این محورها که بسیار بحث برانگیز شده است و به حق اعتراضات زیادی هم برانگیخته است مسئله استرداد مخالفین دولت ترکیه به این کشور است. این مخالفین که دولت ترکیه به آنها اتهام تروریستی می زند هم از فعالین کرد و هم از طرفداران فتح الله گولن هستند. اردوغان در یک سخنرانی از تحویل دادن ۷۳ نفر سخن گفته است. برخی گزارشات حاکی از آن است که تاکنون ۳ و یا ۴ نفر از این مخالفین بدون سر و صدا تحویل دولت ترکیه داده شده اند. دولت فاشیست ترکیه که خود مظهر تروریسم دولتی تمام عیار بویژه علیه مردم کرد این کشور است با متهم کردن مخالفین خود به تروریسم با یک تیر دو نشان می زند. اولاً با مظلوم نمایی خود را تیره می کند و ثانیاً زمینه از میان برداشتن مخالفین خود را فراهم می کند. و متأسفانه دولت سوئد نیز این مسئله را می پذیرد بطوریکه نخست وزیر این کشور وقیحانه گفته است که کسانی که در "عملیات تروریستی" شرکت نداشته اند لازم نیست نگران باشند. مسئله اما به اینجا ختم

نمی شود. دولت اسلامی ترکیه از سوئد خواسته است که از کردهای شمال سوریه نیز که حتی در لیست ترور آمریکا و یا اتحادیه اروپا قرار ندارند حمایت نکند. منظور اینجا یگانهای مدافع خلق (YPG) و حزب دمکراتیک سوریه (YPD) هستند. در واقع دولت سوئد و فنلاند پای قراردادی را امضا کرده اند که به موجب آن به این دو دولت دیکته می شود آزادیهای طرفداران YPG و YPD در کشورهای سوئد و فنلاند را محدود کنند. و این برای دولتهایی که حداقل در حرف خود را مقید به رعایت آزادیهای سیاسی برای شهروندان می دانند بسیار شرم آور است بطوریکه این قرارداد حتی از درون حزب حاکم سوئد یعنی سوسیال دمکراتها با انتقاد شدید روبرو شده است.

محور دیگر قرار داد بسته شده با ترکیه لغو تحریم فروش اسلحه سوئد به ترکیه است. طبق قوانین سوئد صدور اسلحه و ادوات جنگی به کشورهای که بطور فاحشی ناقض حقوق بشر هستند ممنوع است. از سال ۲۰۱۹ نهادی که بر صدور محصولات استراتژیک سوئد نظارت دارد در سه مورد صدور اسلحه به ترکیه را ممنوع کرد که این امر مورد تایید

همه احزاب پارلمانی نیز قرار گرفت. حالا علیرغم همه این قوانین و مقررات، دولت سوئد با دور زدن آن نهاد نظارتی و در واقع با نقض قوانین موجود تصمیم گرفته مسئله تحریم فروش اسلحه پیشرفته به ترکیه را لغو کند تا بتواند به ناتو بپیوندد. یک دلیل تحریم تسلیحاتی ترکیه توسط سوئد احتمال بکار گرفتن این تسلیحات علیه مردم کردستان ترکیه بود که حالا با تضمین فروش سلاح های جنگی سوئد به ترکیه مردم بی حقوق کردستان این کشور باید منتظر استفاده از این تسلیحات علیه خود باشند.

اینها که گفتم مهمترین محورهای مورد توافق میان دولت ترکیه و دو دولت سوئد و فنلاند هستند. این توافق اعتراضات زیادی را در میان طیف های مختلف اجتماعی در سوئد و بویژه کردهای ساکن این کشور دامن زده است. آمینه کاک باوه نماینده چپ گرای پارلمان سوئد که بطور مستقل عمل می کند هم وزیر دادگستری را در این خصوص در مجلس مورد بازخواست قرار داد و هم می خواهد وزیر امور خارجه را به کمیسیون قانون اساسی مجلس به دلیل زیرپا گذاشتن قوانین پایه ای در سوئد بکشاند.

نام خانم کاکاوند این روزها بعنوان یکی از افرادی که دولت اردوغان خواهان تحویل آنها شده، مطرح گردیده است. بعلاوه برخی از شخصیت های معروف و مقامات سابق سوئد از حزب حاکم سوسیال دمکراتها شدیداً به این توافق و تسلیم به خواست های دولت ترکیه انتقاد کرده اند. بحث در مورد این مسئله همچنان ادامه دارد. از یک طرف دولت ترکیه انتظار دارد که سوئد هر چه زودتر به خواست استرداد مخالفین عمل کند و از طرف دیگر مشکلات عدیده ای بر سر راه عملی کردن این خواست وجود دارد که آنرا دشوار می سازد.

قدر مسلم استرداد مخالفین اگر رسانه ای شود موجی از اعتراضات نیروهای آزادیخواه در کشور سوئد را برخواهد انگیخت. آنچه که مهم است علیرغم پیمان ننگینی که میان دول ترکیه، سوئد و فنلاند بسته شده است مردم آزادیخواه باید به اعتراض خود و زیر فشار گذاشتن دولتهای سوئد و فنلاند ادامه دهند و اجازه ندهند کسی از مخالفین دولت ترکیه به این کشور مسترد شود و در جهت تحریم تسلیحاتی ترکیه نیز بکوشند.

زنده اعتصاب کارگران شرکت های مس سونگون ورزقان

روز سه شنبه ۱۴ تیرماه کارگران پیمانکاری شرکت های آهن آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی شاغل در مجتمع مس سونگون ورزقان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان و همچنین بازداشت دو نفر از همکارانشان توسط نهادهای امنیتی، دست از کار کشیده و با بستن

ورودی این معدن در محوطه معدن دست به تجمع اعتراضی زدند. در جریان این اعتراض دو نفر از کارگران معدن به اسامی، ولی الله محمودی و ارشد کاظم پور توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. ولی الله محمودی نماینده کارگران شرکت آهن آجین می باشد. بنا بر گزارشات منتشره در مدیای اجتماعی، نیروهای امنیتی و انتظامی به قصد ایجاد رعب و وحشت و سرکوب کارگران، هم در محل معدن و هم در ورزقان در حال آماده باش هستند.

اعتراض کارگران معدن مس سونگون به سطح نازل حقوقها، قراردادهای موقت و پیمانی و نداشتن امنیت شغلی است. کارگران خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش فوری دستمزدها و کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهای هستند. کارگران همچنین بر همسان سازی فوری حقوقها و افزایش سطح آن تاکید دارند. کارگران می گویند که آنها خواستههای خود را بارها در تجمعات و اعتراضات ماه های گذشته اعلام کرده

اند ولی تا امروز کارفرما و مسئولان شرکت مس ایران به خواستها و مطالبات آنها جوابی نداده اند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از خواستههای برحق کارگران، تاکید می کند تنها با ادامه اعتراض و اعتصاب است که کارگران می توانند خواستههایشان را به کارفرمایان تحمیل بکنند. لازم است که کارگران مجمع عمومی خود را برگزار کنند و متحدانه در مورد ادامه اعتصاب تصمیم گیری کنند. علاوه

بر این دو کارگر دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند. جلب حمایت دیگر بخش های کارگران سونگون و اعتصاب همزمان آنها، تجمع همزمان با اعتصاب با حضور خانواده های کارگران اعتصابی، جلب حمایت مردم منطقه و خبرسانی مداوم از اعتصاب، میتواند نقش مهمی در به کرسی نشاندن خواست های کارگران بازی کند

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ تیر ۱۴۰۱

وحشت حکومت در برابر جامعه پر خروش شهلا دانشفر

تجمع و راهپیمایی در کف خیابانها به امری روزانه تبدیل شده است. بازنشستگان یکماهه است که کف خیابانها را به صحنه اعتراضات پر شکوه خود تبدیل کرده اند. راهپیمایی های با شکوه آنها در شهرهای مثل اهواز، اراک، شوش، شوشتر، کرمانشاه و تجمعات اعتراضی شان در شهرهای مختلف فضای کل جامعه را تحت تاثیر قرار داده است. از جمله در این مدت شهر اهواز به مارش هر روزه بازنشستگان در خیابان ها و فریاد شعارهایشان علیه کل حاکمیت و دولت و وزیرایشان تبدیل شده است. سرود آزادی زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، مرگ بر این بردگی، مرگ بر این بردگی از سوی بازنشستگان به شعار اعتراضات در کف خیابانها در شهرهای مختلف تبدیل شده و می رود که به پرچم انقلاب مردم برای پایان دادن به کل بساط توحش و بردگی حاکم تبدیل شود. در کنار آن ما شاهد این هستیم که کارگران رسمی نفت با اعلام خواستههایشان اولتیماتوم داده اند که اگر مطالباتشان تا پنجم مرداد پاسخ نگیرد به خیابان خواهند آمد و از اتحاد همه بخش های نفت برای پایان دادن به بساط پیمانکاران مفتخور در محیط های کاری و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی سخن میگویند. نفس این گفتمان آنها از سوی یک مرکز کلیدی اقتصادی و کارگری، اتفاق سیاسی بسیار مهمی است. بعلاوه در همین هفته نیز اعتراضات سه هزار کارگر معدن سونگون را داشتیم

که در محل معدن چادر زدند و دست از کار کشیدند و وقتی مورد یورش قرار گرفتند بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند. همچنین خبر زرمه های اعتراض در میان پرستاران علیه اخراجها شنیده میشود. و این لیست بسیار گسترده است.

علاوه بر کارگران اعتراضات در بخش های دیگر جامعه وسیع است. یک نمونه پر سر و صدای آن دوره می جوانان بدون حجاب و شاد و بی توجه به سنتهای اسلامی حکومت، در فضای باز در بلوار چمران در شیراز و پخش ویدئوی آن در مدیای اجتماعی بود که جنجالی در حکومت به پا کرد. در کنار اینها اعتراضات کشاورزان را داریم علیه بی آبی در این استان و آن استان که صدای اعتراضشان بلند است. و بالاخره خانواده های دادخواه را می بینیم که طی پیامی تصویری کل جامعه را به اعتصابات سراسری فرامیخوانند. و با گفتن اینکه اعتصاب سراسری نشان قدرت اتحاد مردمی است و هیچ ستمگری نمیتواند آنرا سرکوب کند همه بخش های جامعه را به اعتصابات سراسری فرا میخوانند.

این چنین است که جامعه در ادامه آبان ۹۸ و علیرغم سرکوب وحشیانه ای که حکومت کرد و بیش از هزار و پانصد نفر را به قتل رساند، امروز در قامت جنبش های اعتراضی اش و در صحنه متحد تر از هر وقت و با خواستههایی روشن که کل بساط فقر و تبعیض و نابرابری و اختلاس ها و دزدی ها را به چالش میکشد، پر خروش به جلو گام بر میدارد. جنبشی به مراتب عمیقتر برای سرنگونی حکومت اسلامی که انقلابی انسانی را نوید میدهد.

در برابر این شرایط است که حکومت بشدت



به هراس افتاده است. تا جایی که حسین طیبی فر، جانشین نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران در جمع مزدوران مسلحشان از اینکه باید نیروهای تربیت پیدا کنند تا بدون ترس و وا همه "دست به ماشه داشته باشند تا از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مبانی ارزشی و اعتقادی آن دفاع کنند"، سخن میگوید. اما خودشان هم میدانند که تفنگشان دیگر باروت ندارد. مردم این را در شعارهایشان و با فریاد توپ، تانک، فشفشه، دیگر اثر ندارد بارها و بارها فریاد زده اند. همین امروز نیز بازنشستگان با شعار های "توپ، تانک، فشفشه مخبر باید گم بشه، دولت شش کلاسه همین روزها خلاصه" و با قدرت قدمهای پر توانشان در کف خیابان پاسخ کوبنده ای به این نوع رجز خوانی ها میدهند.

یک نمونه دیگر اعتراضات معلمان است. دیدیم که جمهوری اسلامی در قبال مبارزات قدرتمند و حماسی معلمان از در سر سرکوب و بازداشت و پرونده سازی های مسخره امنیتی وارد شد. اما معلمان ایستادند و فراخوان سراسری ۲۶ خرداد خود را علیه سرکوبگری ها و دستگیرها دادند. رژیم در جریان تجمعات آن روز تعداد بسیار دیگری را دستگیر کرد. اما معلمان کارزاری قدرتمند برای آزادی همکاران زندانی خود را به پیش بردند. به سازمان جهانی کار آی ال او نامه دادند و خواستار اخراج جمهوری اسلامی از هیات مدیره این سازمان بخاطر سرکوبگریهایش شدند و امروز نیز کارزارشان با قدرت ادامه دارد و صدای اعتراضشان جهانی شده است. بعد هم دیدیم وقتی بازنشستگان در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالباتشان فراخوان به تجمعات سراسری دادند، شورای هماهنگی تشکلهای

صنعتی فرهنگیان طی بیانیه ای اعلام کرد که خواستههای بازنشستگان خواستههای همه مردم است و از تجمعات آنها اعلام حمایت و پشتیبانی کرد. زیر فشار همین اعتراضات است که معلمان در این مدت شماری از همکاران بازداشتی خود را آزاد کرده اند. از جمله در همین هفته ۱۲ نفر از معلمان زندانی در شیراز به اسامی مرگان باقری، اصغر امیرزادگان، محمد عالیشوندی، حمید عباسی، ناصر موسوی، ایرج رهنما، بهنام محمدی، رمضان ابونصری، مراد نوشادی حسام الدین مظلومی، مرتضی رشیدی و عبدالرزاق امیری آزاد شدند. و کارزار برای آزادی معلمان دربند با قدرت ادامه دارد.

بدین ترتیب وقتی به کل این صحنه جامعه نگاه میکنیم ما شاهد جنگ هر روزه مردم با حکومت مافیایی جنایتکار حاکم هستیم و این حکومتی است که آنچنان خود را در حلقه محاصره مردمی می بیند که علنا اعلام میکند که برای دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی اش و مبانی ارزشی و اعتقادی اش که هر روز دارد زیر پا مردم له میشود، راهی جز فراخوان "انگشت به ماشه" ندارد. و در اوج استیصال و تشتت در

صافوفش چنین رجز خوانی های میکند.

نمونه ای دیگر از عجز و استیصالشان در قبال تبدیل مدیای اجتماعی و ماهواره ای به محل سازمانیابی و اعتراضات مردمی است. از جمله غلامرضا نوری قزلبچه، نماینده مجلس اسلامی در همین روزها با گفتن اینکه ۸۰ درصد ایرانی ها روی گوشیهایشان "فیلترشکن" و "وی پی ان" دارند. با استیصال تمام ادامه داده و میگوید: "ما تا کی می خواهیم با تکنولوژی بجنگیم؟ روزگاری با رادیو، تلویزیون و ویدئو و ماهواره جنگیدیم. توانستیم جلوگیری کنیم؟ مگر می شود با پیشرفت تکنولوژی جنگید، ایستاد و مقابله کرد؟"

نمونه دیگر استیصال حکومت در برابر جنبش قدرتمند رهایی زن و خلاصه فرهنگی جوانان است. از جمله در حالی که زنان در صف مقدم اعتراضات مردمی قرار دارند. وحیدی وزیر است که کشورشان از اینکه اگر انقلاب بخواهد ضربه ای بخورد از ناحیه زنان خواهد بود هشدار داده بود و همین امروز دارند از "انقلاب زنان" سخن میگویند. و فریادشان نیز از بی خدایی جوانان بلند

یک نمونه هاش دعوی مجلس و دولت بر سر مصوبه هیات وزیران مبنی بر افزایش ده درصدی حقوق بازنشستگان است. تا جاییکه مجلس رسماً آنرا لغو کرد و بازنشستگان شعار دادند نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر ملت و کل حاکمیت را به چالش کشیدند.

خلاصه کلام اینکه فضای پر خروش جامعه است که کل حکومتیان را به هراس و هذیان گویی و در هم ریختگی انداخته است و مردم با صلابت بسوی انقلابی انسانی و رهایی از شر کل بختک جمهوری اسلامی گام بر میدارند.

قبلی به عنوان فرمانده سپاه "حفاظت ولی امر" را می شنویم. حتی شاهد جایجایی ها و انتصابات جدید در پست های حساس حکومتی هستیم. یکی از نمونه های آن انتصاب محمد رضا غلامرضایی یکی از امنیتی ترین سرداران حکومت اسلامی به سمت معاونت سیاسی وزارت کشور توسط احمد وحیدی است.

مجموعه این خبرها نشان میدهد که چه بلبشویی در درون حکومت در جریان است و چگونه به تقلا و هراس افتاده اند. و این حکومتی است که در برابر کوچکترین تصمیمی در درون خود عاجز است.

بدانجا رسیده است که صفوف حکومتیان بشدت در هم ریخته و جنگشان بیش از هر وقت بالا گرفته است. خودشان دارند به نفوذ "عوامل بیگانه" در صفوفشان و خطر ترور خامنه ای اذعان میکنند. از جمله حسین طائب یکی از فاسد ترین و بیرحم ترین مقامات حکومتی توسط فرمانده کل سپاه پاسداران از ریاست سازمان اطلاعات سپاه برکنار و خانه نشین شده و معاونش محمد کاظمی به جای او منصوب شد و خبری هم از او نیست. و اکنون خبر برکناری ابراهیم جباری یکی از معاونین طائب جنایتکار و انتصاب حسن مشروعی فر جنایتکاری دیگری مثل

کرده میگوید: مجازات‌هایی تا حد "تعلیق مسئول اداره دولتی" در این قانون پیش‌بینی شده است. آخرین خبر در این رابطه ایجاد پایگاه‌های عفاف و حجاب در ایستگاه‌های متروی تهران است. و اینها همه طرح‌های سوخته ایست که ۴۳ سال است روی میزشان است و هر بار خودشان شکستشان را اعلام کرده اند. این جانبان با اسید پاشی و زندان و شکنجه و انواع سرکوب‌ها حریف مردم سرنگونی طلب نشدند و امروز در فضای پر خروش جامعه چنین رجزخوانی‌هایی میکنند. فشار این شرایط تا

از صفحه ۴ است و یکی مثل آخوند خان‌محمدی، سخنگوی ستاد "امر به معروف و نهی از منکر" حکومت اسلامی، از ابلاغ قانون "عفاف و حجاب" برای مردان و زنان از سوی وزیر کشور به همه نهادها خبر میدهد. خان محمدی میگوید: "باید این قانون در مرحله اول از دستگاه‌های دولتی آغاز شود و در مراحل بعد همه جامعه را در بر بگیرد." سپس ادامه داده و میگوید از این پس برای عدم اجرای قانون، توجیهی پذیرفته نیست و در صورت عدم اجرای قانون، مسئول آن نهاد تذکر می‌گیرد و توبیخ می‌شود. او سپس تهدید

کمیته اسکاندیناوی حزب کمونیست کارگری ایران
۷ ژوئیه ۲۰۲۲ - ۱۶ تیر ۱۴۰۱

سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، امر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده‌اند تاکید کنیم و اتحاد و همدلی خود را برای تحقق این خواست به نمایش خواهیم گذاشت.

با دادخواهان در روز اعلام رای دادگاه حمید نوری



با دادخواهان در روز اعلام رای دادگاه حمید نوری

روز پنجشنبه ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲ برابر با ۲۳ تیر ۱۴۰۱ راس ساعت ۱۳:۳۰ رای دادگاه استکهلم درباره حمید نوری از عوامل کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ از طریق انتشار یک اطلاعیه مطبوعاتی و برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی دیجیتالی با حضور خبرنگاران اعلام می‌شود. برای ما که از آغاز محاکمه این جانی، فعالانه در کنار همه دادخواهان بوده ایم و با پوشش خبری این دادگاه و انعکاس صدای خانواده‌های جانباختگان بر محاکمه همه سران رژیم اسلامی بدلیل جنایت علیه بشریت تاکید داشته ایم، بطور قطع روز اعلام رای دادگاه درباره حمید نوری بسیار مهم است. امید و انتظار ما این است که حمید نوری همانگونه که دادستانی سوئد درخواست کرده بود به اشد مجازات محکوم شود.

در روز اعلام رای دادگاه حمید نوری یکبار دیگر در مقابل محل ساختمان این دادگاه در استکهلم به دور هم جمع می‌شویم، تا مثل همیشه بر خواست دستگیری و محاکمه علنی

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سرمدیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته جمعه‌ها منتشر می‌شود.
فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiiran
اینستاگرام حزب: www.instagram.com/wpi91
تلگرام حزب: telegram.me/wpi_hkkl
وبسایت: www.wpiiran.org



انقلاب زنانه به چه معنا است؟ حمید تقوایی

جنبش دادخواهی میبیم نقش مادران آبان، مادران خاوران چقدر برجسته است. از جمله در دادگاه ایران تریبونال که زنان با شجاعت جلو آمدند و شهادت دادند و نه فقط از جانب زنان بلکه از جانب کل جامعه ایران علیه قتل ها و جنایات حکومت کیفرخواست و فریاد دادخواهی خودشان را بلند کردند. به این معنی زن‌ها در تمام عرصه های مختلف اجتماعی در صف اول مبارزه دیده میشوند. زنان هم به همه بیحقوقی ها و تبعیضات فاحشی که علیه آنان اعمال میشود اعتراض دارند و هم به شرایط سخت معیشتی، به نبود آزادیها، به سرکوب و غیره و در مقابل حکومت ایستاده اند.

مجموعه این شرایط این واقعیت را که انقلاب خصلتی زنانه دارد یا خواهد بود بیش از پیش جلو چشم همه گذاشته است. همانطور که گفتید امروز حتی کسانی که قبلا در مقابل این اصطلاح اظهار تردید میکردند و میگفتند گویا این نقش کارگران و یا بخش های محروم جامعه را کم رنگ میکند متوجه میشوند که اینها تناقضی با هم ندارند. انقلاب زنانه یعنی نقش برجسته زنان در انقلاب معلمان، در جنبش بازنشستگان و غیره. در جنبشی که اخیرا حول فاجعه متروپل در آبادان شکل گرفت کلبی از زن شجاعی دیدیم که چشم در چشم نیروهای سرکوبگر و انتظامی میگوید مرگ بر خامنه ای و این را با صدای بلند فریاد میزد. یا در

قدرت جهانی خود را تثبیت کند. اولین اعتراضی که علیه جمهوری اسلامی در سطح ده ها هزار و چند صد هزار شکل گرفت، اعتراض توده ای علیه حجاب اجباری بود. هنوز یک ماه از روی کار آمدن جمهوری اسلامی نگذشته بود که در اولین روز جهانی زن چنین اعتراضی شکل گرفت. این برخاسته از قوانین، نگرش، اخلاقیات پوسیده اسلامی علیه زنان است. تحلیلا روشن بود که زن ستیزی برای جمهوری اسلامی یک سیاست هویتی و اسلحه ای است برای به محاق کشیدن و حمله به کل جامعه. این واقعیت یک پایه اصطلاح انقلاب زنانه است که منصور حکمت مطرح میکنند. او میگوید انقلاب ایران خصلتی زنانه خواهد داشت چون ماهیت ضد زن حکومت را بخوبی میشناسد.

از نظر تحولات عینی هم می بینیم که طی چهار دهه حکومت اسلامی زنان موقعیت برجسته و مهمی در مبارزات پیدا کرده اند. در مبارزه نه فقط علیه بی حقوقی زن بلکه در مبارزه علیه خرافات مذهبی. در مبارزه علیه فقر و فلاکت. در مبارزه برای رسیدن به یک زندگی مدرن و امروزی. در همه جا می بینید زنان در صف اول مبارزه قرار گرفته اند. در جنبش معلمان، در جنبش بازنشستگان و غیره. در جنبشی که اخیرا حول فاجعه متروپل در آبادان شکل گرفت کلبی از زن شجاعی دیدیم که چشم در چشم نیروهای سرکوبگر و انتظامی میگوید مرگ بر خامنه ای و این را با صدای بلند فریاد میزد. یا در

علیه یک حکومت استبدادی اسلامی بپاخاسته اند.

خلیل کیوان: منصور حکمت ۲۰ سال قبل درگذشت. او بیش از دو دهه قبل از اینکه انقلاب آتی ایران انقلابی زنانه خواهد بود صحبت کرد. بسیاری در مقابل ترم های که او برای توصیف و تحلیل اوضاع سیاسی بکار میرد از جمله " انقلاب زنانه" مقاومت میکردند. انتقاد میکردند. اینها برای بسیاری غریب بنظر میرسید. حتی برخی جریانهای چپ هم منتقد این ترم ها از جمله ترم انقلاب زنانه هستند. اما امروز انقلاب زنان و یا انقلاب زنانه به یکی از اصطلاحات رایج در محافل سیاسی و نزد فعالین زن و در میان سلبریتی های زن بدل شده است. نهادی هم تحت همین عنوان " انقلاب زنانه" فعالیت میکند که شیرین شمس از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری مسئول آن است. چرا این ترم چنین کاربرد وسیعی پیدا کرده است؟ از نظر شما انقلاب ایران زنانه است به چه معنی است؟

حمید تقوایی: هم در یک سطح تحلیلی و ارزیابی از اوضاع میشود پی برد که چرا مساله زن و انقلاب زنانه اکنون مطرح است و هم از نظر تحولات عینی و شرایط واقعی مبارزه. از نقطه نظر اول یعنی از نظر تحلیلی همانطور که اشاره کردم زن ستیزی یک رکن جمهوری اسلامی است. این حکومت از همان روز اول با حمله به حقوق زنان خواست

بود حق مطلب را ادا کرد. البته شعارهای ضد دیکتاتوری، مرگ بر دیکتاتور و غیره تقریبا شعار همه انقلابیاتی است که در کشوری مثل ایران صورت میگیرد. این شعار عمومی همه انقلابات علیه استبداد و سرکوب و خفقان است. این روشن است. ولی اعتراض مثلا علیه آپارتاید جنسی خاص شرایط امروز ایران است. در تحولات گذشته چنین ترمی بکار نمیرفت. روشن است که آپارتاید جنسی یعنی دیواری که امروز بین زن و مرد کشیده شده و جدا کردن مرد و زن در جامعه و زن ستیزی وحشیانه مختص دولتهایی نظیر جمهوری اسلامی است. خود اصطلاح زن ستیزی هم از همین واقعیت نشات گرفته. در این شرایط تنها صحبت از ستم و بیحقوقی زن و یا تبعیض علیه زنان کل تصویر را نشان نمیدهد. آپارتاید جنسی و زن ستیزی مساله را روشن تر بیان میکند.

عبارات و مفاهیم دیگری مثل ایران جامعه اسلامی نیست، اسلام سیاسی و یا مذهب زدائی یا جارو کردن اسلام از جامعه نیز به هویت اسلامی رژیم و سلطه سیاه اسلام بر زندگی اجتماعی و حتی خصوصی مردم مربوط میشود. آزادی بی قید و شرط بیان نیز علیه حکومتی مطرح میشود که اساسا با اتکا به تابوها و دگمها و قوانین مذهبی صداها را در گلو خفه میکند. خلاصه اینکه مجموعه این اصطلاحات برخاسته از شرایط مشخص ایران و خصوصیت اعتراضات و مبارزات مردمی است که

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید **خلیل کیوان:** در دهه های اخیر در ادبیات و گفتمان های سیاسی ایران ترم ها و واژه گان سیاسی جدیدی وارد شده است. برای نمونه آزادی بیان برای همه، ایران جامعه اسلامی نیست، آپارتاید جنسی، اسلام سیاسی که در تقابل با بنیادگرایی اسلام مطرح شد و یا اینکه اعدام قتل عمد دولتی است. همچنین بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و آفریقای جنوبی کردن جمهوری اسلامی و غیره. اینها ترم هایی هستند که به کرات می شنویم.

یکی از ترم هایی که این روزها در فضای سیاسی ایران و رسانه های فارسی مطرح است و از زبان سلبریتی ها و فعالین سیاسی شنیده میشود، ترم انقلاب زنانه است. این عبارت را منصور حکمت بیش از دو دهه قبل در توصیف انقلاب آتی ایران بکار برد. با حمید تقوایی هستیم و با او در مورد انقلاب زنانه گفتگو میکنیم.

حمید تقوایی قبل از هر چیز نگاهی داشته باشیم به ترم های سیاسی که به آنها اشاره شد. از چه زمانی و چطور این ترم ها وارد ادبیات ایران شده است؟

حمید تقوایی: این اصطلاحات و مفاهیمی که امروز رایج شده وصف حال شرایط عینی جامعه و تحولاتی است که شاهدش هستیم. جنبش ها و اعتراضاتی که شکل گرفته و به پیش میروند این مفاهیم را ایجاد میکنند. دیگر نمیشود با اصطلاحات قدیمی، اصطلاحاتی که مثلا در انقلاب ۵۷ مطرح

انقلاب زنانه به چه معنا است؟ حمید تقوایی

از صفحه ۶

خلیل کیوان: فمینیسم چه جایگاهی در این تصویر دارد؟ آیا نقش برجسته زنان در مبارزات و صحبت از انقلاب زنانه به این معنی است که بستری برای رشد فمینیسم در ایران فراهم شده است؟

حمید تقوایی: فمینیسم هم دچار تحول شده است. فمینیسمی که در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی در غرب جریان داشت جنبشی مترقی بود اما این جنبش در گذشته باقی مانده است. فمینیسم امروز در دفاع از حقوق زن در مقابل جنبش اسلام سیاسی که یک جنبش ارتجاعی جهانی است و ضد زن است صحبت زیادی ندارد. همین امروز در آمریکا با قدرتگیری بیشتر محافظه کاران که مذهبی هستند قانون سقط جنین را لغو کردند اما فمینیسم حتی در این نبرد نیز خودش را به مذهب نمیزند. بخصوص در رابطه با جوامع اسلام زده فمینیسم غربی با دیدگاه کاملاً عقب مانده نسبت فرهنگی وارد این گود نمیشود. من یادم هست چند سال پیش زنان فمینیست در مونترال کانادا در دفاع از حجاب و در دفاع از حق حجاب برای زنان مسلمان به خیابان آمدند و برای همراهی با آنها حجاب بر سر کردند. اینها متوجه نیستند که حجاب یک اسلحه سرکوب زنان و نه فقط سرکوب زنان بلکه سرکوب همه مردم در کشورهای اسلام زده است. و الان حجاب به پرچم ارتجاع اسلام سیاسی حتی در غرب تبدیل شده است. فمینیسم کلاسیک در مقابل این نمی ایستد ولی یک شاخه دیگری در جنبش جهانی زن که میشود آنرا فمینیسم مدرن نامید علیه مذهب فعال

است. شاخه ای که گروه فم و اعتراض عریان یک نمود برجسته است. فم صریحاً با مذهب در می افتد و نه فقط با اسلام بلکه با مسیحیت و کاتولیسیسم و همه تابوها و مقدسات مذهبی ضد زن.

تا آنجا که به جامعه ایران مربوط میشود در جنبش زنان فمینیسم کلاسیک جایی ندارد چون در مقابل مذهب و بویژه اسلامیسیم کلا سپر انداخته است. حتی خود را تحت عنوان نسبت فرهنگی همراه آن نشان میدهد. گویا حجاب جزئی از فرهنگ زنان کشورهای اسلام زده است.

در ایران طبعاً چنین نیست. زنان در صف اول مبارزه علیه مذهب هستند. زنان هستند که توی گوش آخوندها میزنند و عمامه شان را زیر پا له میکنند، که در جنبش دادخواهی فریادشان را علیه آخوندهای ارتجاعی بلند میکنند. زنان هستند که در اعتراضات در مقابل حکومت و با چالش کشیدن حکومت میخواهند به حقوق خود برسند. جمهوری اسلامی پایه ای ترین حقوق زنان را لگدمال کرده و با شلاق کشیدن بروی زنان در واقع به کل جامعه تعرض میکند. چهار دهه است جامعه این زن ستیزی را تجربه کرده و بهمین خاطر جنبش زنان جایگاهی عمومی و اجتماعی پیدا کرده است.

خلاصه کنم، مبارزه برای حقوق زن در ایران را در چارچوب تنگ فمینیسم نمیشود توضیح داد. این مبارزه ای است علیه تبعیض، برای آزادی، برای رهایی و نه فقط رهایی زنان بلکه رهایی کل جامعه. خلیل کیوان: معمولا انقلابات را با ترمهایی مثل

انقلاب سوسیالیستی، کارگری، دموکراتیک و غیره نامگذاری میکنند و توصیف میکنند. در ادبیات مارکسیستی با واژه انقلاب زنانه روبرو نمیشویم. از اینرو بسیاری از منتقدین کمونیسم کارگری و منصور حکمت این نوع ترم ها را ابداع و نوآوری غیر مارکسیستی میدانند. پاسخ شما به این نوع انتقادات چیست؟

حمید تقوایی: ابداع و نوآوری هست ولی غیر مارکسیستی نیست. چرا هر چیز نوئی باید غلط باشد؟ مارکسیسم یک سیستم فکری منجمد با ترم ها و جارگونها و ترمینولوژی خودش نیست که گویا هر کس جز این بگوید دیگر مارکسیست نیست. این پوچ است. اگر اینطور بود امروز مارکسیسم مثل مذاهب تبدیل به دگم و جزم شده بود. اگر بخواهیم به گفته های بزرگان مارکسیسم رجوع کنیم باید این گفته از لنن را بیاد بیاوریم که بر تحلیل مشخص از شرایط مشخص تاکید میکرد.

شرایط مشخص در ایران یک خصلت زنانه به انقلاب میدهد. این به این معنی نیست که انقلاب سوسیالیستی نیست. این به این معنی نیست که طبقه کارگر نقش اساسی در انقلاب ندارد. یا انقلاب علیه فقر و استثمار نیست. بلکه به سادگی میگوید در این انقلاب علیه فقر، در انقلاب سوسیالیستی، در انقلابی که میخواهد نه فقط جامعه را از شر جمهوری اسلامی بلکه از شر سلطه سرمایه داران مفت خور رها کند، زنان نقش اساسی دارند. انقلاب خصلتی زنانه دارد بسادگی این را بیان میکند.

نکته مهم دیگر اینکه مبارزه برای رهایی زن جزئی از مبارزه طبقاتی

طبقه کارگر هم هست. طبقه کارگر صرفاً خواهان رهایی خودش نیست بلکه پرچم رهایی زن را نیز در دست دارد. حقیقت این است که فقط استراژی، سیاست، و نقد و اعتراض عمیق طبقه کارگر به پایه های نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی هست که میتواند در نهایت زنان را آزاد کند. انقلاب خصلتی زنانه دارد به نظر من تاکیددی است بر ماهیت و جوهر ضد سرمایه داری و سوسیالیستی انقلاب. تمام جهان زیر سلطه سرمایه داری است و از همین رو بی حقوقی زن نیز مساله ای جهانی است.

به این معنی باید گفت نه تنها اینکه خصلت انقلاب زنانه است یا بود با انقلاب سوسیالیستی یا هر ترمینولوژی نظیر انقلاب رهایی بخش و غیره مغایرتی ندارد بلکه برعکس تاکیددی است بر خصلت رهایی بخش و ضد سرمایه داری انقلابی که در ایران شکل میگردد.

خلیل کیوان: قدری پایه ای تر به ریشه های بی حقوقی زن بپردازیم و درباره شرایط رهایی آنها صحبت کنیم. آیا صرف مشارکت وسیع زنان در انقلاب آتی و سرنگونی جمهوری اسلامی زنان رها میشوند؟ برابری زن و مرد چگونه و تحت چه نظامی سیاسی ممکن است؟

حمید تقوایی: ستمکشی زن فقط محصول شرایط امروز و جامعه سرمایه داری نیست بلکه یک مساله تاریخی است. بخصوص مردسالاری و مذهب، این دودست در دست هم در تمام طول تاریخ زن ستیز بوده اند. مذهب بنا به تعریف مردسالار است. خدا مرد است. پیغمبران

مرد هستند. قوانین و آیات و مقدسات مذهبی همه ضد زن است و به این معنی زن ستیزی جزئی از مذاهب بوده است. و این مذاهب هم ساخته امروز نیستند. هزاران سال است که در دنیا بیداد میکنند. ولی امروز سرمایه داری از این ستم تاریخی استفاده میکند، بر آن سوار میشود و بر آن متکی میشود برای سودپرستی خودش، برای سود اندوزی خودش. سرمایه داری به هر تبعیضی متوسل میشود برای اینکه طبقه کارگر را بیشتر تحت استثمار، تحت بردگی مزدی قرار بدهد. و مشخصاً امروز در جمهوری اسلامی که مورد بحث ما است با یک حکومت بورژوائی مذهبی روبرو هستیم. دزدیها، مافیای اقتصادی و استثمار شدید طبقه کارگر، چنگ انداختن بر منابع طبیعی ثروت اجتماعی، جنگل ها و دریاها و زمین و معادن و نفت و غیره و غیره، همه اینها زیر پرچم اسلام و با شمشیر اسلام انجام میشود و زن ستیزی یک پایه اصلی این حکومت و یک ابزار آن برای سرکوب کل مردم معترض است. ازین روست که مبارزه برای رهایی زن با مبارزه برای سرنگون کردن حکومت اسلامی سرمایه داران درهم تنیده شده است.

از یاد نبریم که جمهوری اسلامی عملاً تنها نوع حکومت ممکن برای بورژوازی، حتی از نظر کل بورژوازی جهانی، در ایران است. این حکومت را علیه انقلاب ۵۷ در برابر خطر چپ روی کار آوردند و سر کار نگهداشتند. و این حکومت با زن ستیزی امور خود را میگذراند. به این اعتبار میتوان گفت بردگی جنسی یک رکن بردگی مزدی در ایران است. این ادامه در صفحه ۹



دولت‌های ارتجاعی منطقه در تطهیر آن نمی‌تواند این سابقه را از ذهن جامعه پاک کند.

در مقابله با امارت اسلامی طالبان، نیروی سر برافراشته است! نیروی که در محاسبات آمریکا و طالبان تخمین زده نشده بود، وجدانهای بیدار و آگاه جهانیان را به سرعت بخود جلب کرد. حقیقتی که زیر لایه‌های قطور فریبکاری توافقات و تطهیر طالبان پنهان کرده بودند را کنار زد و تعفن حکومت امارت اسلامی را به جهانیان نشان داد. این را مبارزه و ایستادگی شورانگیز زنان در این مدت نمایندگی و تثبیت کرد و به بزرگترین مانع در به رسمیت شناسی و مشروعیت بین‌المللی طالبان منجر شد!

جرگه ملاها و بحران مشروعیت

ناکامی امارت اسلامی در جلب توجه افکار بین‌المللی علیرغم تلاش برای اهلی نشان دادن آن در انواع شوها و کنفرانس‌ها از تهران تا اسلو از پکن تا مسکو، اما بی هیچ نتیجه مطلوبی زیر فشار مبارزه قهرمانانه زنان ناکام ماند! حکومتی که اساساً انتخابات بردار نیست، قوانین و مصوباتی بجز آیه و حدیث و فتوا ندارد. ناچار دست به دامن ارتجاع خود ساخته خودش شد. بیش از ۳۵۰۰ ملا و فتوا دهندگان در محاکم، را که مسئول و مأمور انواع نفرت پراکنی قومی و نژادی از منبر و مسجد اند، آمرین و عاملین مسموم کردن افکار عمومی و سازمان دهندگان قتل‌های فجیع، سرکوب و دستگیری فعالین زن و خبرنگاران رسانه‌ها، عاملین فجایع بیشمار و سیاه کردن زندگی میلیون‌ها مردم، را گردهم آوردند و سه روز با تهدید علنی جامعه و فعالین اجتماعی به سربریده شدن و به صحنه آوردن صدای شبحی به نام ملا هبت‌الله، امیرالمؤمنین، به تمام معنی انزوی کشنده

منطقه و بویژه در آسیای میانه نیازمندند. طالبان بعنوان یک مجری معامله‌گر که تا مغز استخوان غرق در فساد و روابط مافیایی است این ظرفیت و توان را دارد که با هر شیطنی به تعامل برسد، هم‌جهت با ارتجاع حاکم در منطقه از جمهوری اسلامی ایران تا عربستان و قطر، گوش بفرمان پاکستان و منافع پروغربی آن، سوداگری سیاسی با روسیه و چین، الگویی برای همه جریانات تروریستی اسلامی در منطقه باشد. و از سوی دیگر مطلقاً سرسازشی با حق شهروندی، حق رأی و انتخاب، مدرنیسم و سکولاریسم نداشته باشد. قوانین ارتجاعی قبیل‌ای، نژادپرستانه، عمیقاً ضد زن، ارباب و سرکوب فوق خشن مخالفان، از اجزای بی‌تردید زمامداری آنست.

امارت اسلامی برای هیچ درجه‌ای از بهبود و رفاه جامعه بر سرکار نیامده است. بازگرداندن جامعه به دوران قهقرا و اجرای فقه حنفی و یک جامعه بسته و شبه قرون وسطایی، پایه و اساس قوانین حکومتی آن است. این تنها افقی است که به ضرب سرکوب، جلوی پای جامعه می‌گذارد. یکجا شدن این خصائص ضد بشری، آرا مطلوب استمرار حاکمیت اسلام سیاسی در این نقطه حساس از آسیای میانه کرده است.

اما، برای میلیون‌ها مردمی که حاضر نیستند زیربار این هیولای تروریستی بروند، طالبان منفور و غیرقابل تحمل است. سابقه وحشت‌بار آن در گذشته و کارکرد خفقانی کنونی با هیچ منطقی و به ضرب هیچ سرکوبی مشروعیت و مطلوبیت اجتماعی پیدا نمی‌کند. به همین منوال به سادگی نمی‌توان به افکار عمومی جهانیان و مردم افغانستان حقه‌اش کرد.

همه سیاست‌بازی‌ها و فریبکاری‌های مشمژکننده آمریکا و شرکای غربی و

طالبان قابل تطهیر و مشروعیت نیست

سیامک بهاری

یازده ماه از بازگرداندن طالبان به قدرت سیاسی و رها کردن سرنوشت میلیون‌ها مردم بی‌پناه افغانستان به این جریان هار تروریستی می‌گذرد. مشروعیت داخلی، به رسمیت شناسی بین‌المللی و آینده ماندگاری حکومت تروریستی اسلامی طالبان بشدت زیر سؤال است. وضعیت کنونی و خصلت حکومتی طالبان، بحران مشروعیت و اختلافات داخلی سه موضوعی محوری این مطلب است.

خصلت حکومتی طالبان

با توافقات آمریکا و متحدین، زمینه بازگشت طالبان و سقوط حکومت پویشالی اشرف غنی و شرکای جهادی آن رقم خورد. جهنمی هولناک و از پیش تدارک دیده شده به نام امارت اسلامی طالبان، زیر پای مردم افغانستان دهان گشود. شیرازه جامعه چنان از هم گسیخت و گرسنگی، فقر و فلاکت، بیکاری و ناامنی، پایمال شدن ابتدایی‌ترین شهروندی آوارگی و بی‌ثباتی چنان گسترده‌تر شد که در تصور نمی‌گنجد. سابقه و کارکرد و اهداف حکومت امارت اسلامی نه بر آمریکا و شرکاء غربی پوشیده بود و نه بر مردمی که شلاق این تروریسم هار اسلامی را پیش از این، شش سال برگرده خود تجربه کرده بودند. طالبان مخلوق آمریکا و شرکاء مجدداً بازگردانده شد! این بار اما خشن‌تر، وحشی‌تر، ضد بشری‌تر، ضد زن‌تر، فریبکارتر، پیچیده‌تر و مافیایی‌تر از پیش.

آمریکا و شرکای غربی به گسترش جغرافیای اسلام سیاسی متحد با خود، در

امارت اسلامی را علنی کردند.

اختلافات طالبان

آنچه در ولایت سرپل و بلخاب می‌گذرد بجز جنایت و بیرحمی طالبان در کشتار مردم بیدفاع، ریزش درونی طالبان، در لایه‌های میانی است. سهم‌خواهی و اختلافات داخلی همزاد طالبان است. اما آنچه در بلخاب رویداد نمونه‌ای مهم و روندی محتوم در ادامه حکومت طالبان است.

نقش و حضور نیروهای سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران در مشاوره و همکاری رسمی با طالبان نکته قابل تأمل در اختلافات درونی طالبان است.

سریچی و تمرد مولوی مهدی از فرماندهان هزاره تبار طالبان، در واقع باز شدن سر قرقره نافرمانی‌های پی در پی خواهد بود.

ابتدا سپاه قدس برای میانجی‌گری و راضی کردن مولوی مهدی، تلاش می‌کند. اما تأثیری ندارد. سپس کمک مستشاری سید حسن مرتضوی در نقش معاون سفارت ایران و حسن قمی نماینده ایران در امور افغانستان پرده دیگر همراهی با یورش به بلخاب می‌شود که پرده از رابطه کثیف و رمزآلود جمهوری اسلامی با طالبان ادامه در صفحه ۹

نه حرمت و اعتمادی در داخل کشور و نه اعتباری در خارج را نتوانستند به ضرب سه روز قدرتمندی کاذب نشان دهند! چهره‌های منفور قومی و مذهبی را به اسم مردم سراسر افغانستان جمع کردند تا رأی مشروعیت و بیعت بگیرند. تا ممنوعیت کار و تحصیل و آموزش زنان و تحمیل حجاب و عَشْرَیَه و زکات و باجگیری و سرکشیه کردن مردم را به ضرب فتوا مشروع جلوه دهند! نمایشی عاجزانه از حکومتی که نه تنها در قلب مردم جایی ندارد که تنها با توحش تروریستی - اسلامی برگرده جامعه سوار شده است.

سه موضوع کلیدی این نشست عبارت بود از دست‌گدایی به سمت آمریکا و جهان برای به رسمیت شناخته شدن، اعلام وحشت از مبارزات مردم و مخالفان و بویژه زنان، عربده کشی سر از تن جدای کنیم و گرفتن بیعت نمایشی برای رهبر امارت اسلامی که جز بر سرکوب و زور بر سکوبی از جامعه سوار نیست! این همه هیاهوی پوچی بود که به نام "جرگه علما" برگزار شد و تپه بودن انبان امارت اسلامی را عیان‌تر کرد!

رقم می‌زند. طالبان به هیچ خواستگاهی در جامعه افغانستان بند نیست. این غده بدخیم را باید نیروهای مترقی، چپ و سوسیالیست جراحی کنند و برای همیشه به دور بیندازند! این تلاش را به جامعه و میلیونها مردم ستمدیده افغانستان بدهکارند.

امنیتی سپاه قدس در کنار طالبان، همه گواه این است که اسلام سیاسی و ارتجاع منطقه علی‌رغم گردنگشی و قدرت کشتار در بن‌بست است. رو به زوال و فروپاشی است و تنها به قدرت کشتار بر سر پاست.

از خیابانهای کابل تا زندانهای مخوف، تا بستن صدها رسانه و دستگیری و سر به نیست کردن مخالفان و زن ستیزی جنون‌آمیز، بحران مشروعیت طالبان است که آشکارا ادامه و آینده این حاکمیت تروریستی را

را بیرحمانه تیرباران کردند! ده‌ها روستا خالی از سکنه شده است و مردم بی‌پناه آواره کوهستانهای اطراف شده‌اند. آنچه باقی‌مانده است اجساد مردم بیدفاع، روستاهای خالی از سکنه و هزاران مردمی است که بدون هیچگونه امکان و وسیله‌ای برای حفظ جان به کوهستانهای صعب‌العبور پناه برده‌اند! کشتار بلخاب، جنایت جنگی آشکار طالبان و کمک مستشاری سپاه قدس در ادامه فتوای جرگه طالبان برای سرپریدن مخالفین است! حضور چشم‌گیر

مطیع و فرمانبردار باقی بماند! او بعنوان فرمانده طالبان بخوبی راه و رسم درونی را می‌داند. اگر تسلیم شود، به عنوان فرمانده متمدن و یاغی دستگیر و اعدام خواهد شد.

سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران شریک جنایت طالبان در یورش به بلخاب است، ابتدا شبکه مخابرات را قطع کردند. راه‌های ارتباطی مردم بین روستاها را بستند و برای انتقام سخت کشتارها و تمامی بازار را به آتش کشیدند. بیش از ۱۵۰ نفر از اهالی بیدفاع و غیرنظامی

از صفحه ۸ چه پیش از به قدرت رسیدن و پس از آن بر می‌دارد. سید حسن مرتضوی از فرماندهان ارشد سپاه قدس و فاطمیون در سراسر این حمله و کشتار پا در رکاب طالبان بوده است.

مولوی مهدی که از رگ گردن به طالبان نزدیک‌تر است، سهم‌خواهی می‌کند. اما قوم‌پرستی و روابط مافیایی درونی طالبان که مانند قانونی نانوشته عمل می‌کند، راه را بر او بسته است. باید به سهم کمتری رضایت بدهد و همچنان

انقلاب زنانه به چه معنا است؟ حمید تقوایی

شهروندان از جمله زنان و مردان را بعنوان افراد متساوی الحقوق برسمیت شناخت و حقوق آنها را تامین کرد.
۵ ژوئیه ۲۲

ریشه زد. ما فکر میکنیم که برای حل مساله زن همانطور که برای رهایی کل جامعه باید کل نظام سرمایه داری حال با عمامه و یا بدون عمامه، تحت نام جمهوری اسلامی و یا تحت هر نام دیگری را از جامعه جارو کرد. تنها با نفی سرمایه داری میتوان تمام

عقب رانده شده. نمونه مشخص آن را امروز در جامعه آمریکا میبینید. این وضعیت دنیا است. سرمایه داری همانطور که گفتم منفعت مستقیمی دارد در تبعیض نسبت به زنان و بویژه در جمهوری اسلامی کاملاً این مساله برجسته است. به همین خاطر باید تیشه به

از صفحه ۷ دو امروز کاملاً بهم تنیده اند. میتوانم ادعا کنم که در دنیا هم همینطور است. مساله زن در هیچ جای دنیا حل نشده. و نه تنها حل نشده بلکه علی‌رغم جنبشی که زنان داشتند حقوق آنها مدام از طرف دولت ها محدودتر شده و به

منصور حکمت و ضرورت زمانه

ورود برای عموم آزاد است



چهارشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۱ ، ۶ جولای ۲۰۲۲
۸:۳۰ شب ایران ، ۶ عصر اروپای مرکزی

پخش زنده
در تلویزیون کانال جدید



0046722807052

www.kanaljadid.com

از طریق ماهواره های یوتل ست، یاهست و ترکمن عالم
وبسایت کانال جدید، اینستاگرام، توئیتر و تلگرام

برگزار شد



خصوصی سازی و بیکار سازیهای وسیع کارگران

محمد شکوهی

داود گودرزی (دبیر قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی) در یک نامه خطاب به مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ضمن "انتقاد" از روند اجرای خصوصی سازیها در یک دهه گذشته نوشته است: "بسیاری از مجموعه‌های واگذار شده به سمت کاهش تولید و تعطیلی بیش رفته و بیش از ۵۰۰ هزار کارگر بیکار شده اند". از مجموع ۲۰۰۰ بنگاه و شرکت قابل واگذاری تا به امروز حدود ۹۰۰ بنگاه که دولت در آن‌ها سهام داشته به نحو کاملاً معیوبی به بخش خصوصی واگذار شده است که ارزش این واگذاری‌ها بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شود. وی در ادامه به روند خصوصی سازیها در شرکتهای کشت و صنعت مغان، کشت و صنعت هفت‌تپه، ماشین‌سازی تبریز، رشت الکتریک، نساجی مازندران، آلومینیوم المهدی، پالایشگاه کرمانشاه، فولاد خوزستان، کنتورسازی قزوین، هپکوی اراک، ماشین‌سازی اراک و بسیاری مجموعه‌های صنعتی دیگر اشاره کرده که از نظر وی "روند به خوبی و کارشناسانه" پیش نرفته است، و خواستار پیگیری روند واگذاریها شده است. این تازه ترین اظهار نظر یک مقام حکومتی در باره خصوصی سازیها در دوده گذشته است.

اما سابقه خصوصی سازی در جمهوری اسلامی و سیاستهای ناظر بر آن چه بوده است؟ اثرات و تبعات شان چه می‌باشد؟ سازمان خصوصی سازی در

وب سایت رسمی اش در باره سابقه آغاز خصوصی سازی آورده است: "از سال ۱۳۵۹ و به موجب اصل (۴۴) قانون اساسی مالکیت بسیاری از فعالیت‌ها از جمله بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، صنایع مادر و بزرگ، هواپیمایی، کشتیرانی و ...، عمومی اعلام شد. با توجه به این امر، مالکیت بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در اختیار کامل دولت قرار گرفت. این روند تا اواخر دهه ۶۰ کماکان ادامه یافت. تا اینکه پس از خاتمه جنگ، دولت اقدام به تدوین و تصویب برنامه‌های بازسازی اقتصادی، اجتماعی در قالب برنامه‌های اول و دوم توسعه جهت بهبود عملکرد شرکت‌های دولتی و حضور فعال‌تر بخش خصوصی در اقتصاد ملی نمود و بستر لازم جهت خصوصی‌سازی را فراهم کرد". سازمان خصوصی سازی دلیل در پیش گرفتن این سیاست را چنین اعلام کرده بود: "با بروز مشکلات و عدم کارایی در بخش اقتصاد دولتی و با پایان جنگ تحمیلی زمینه برای اصلاحات اقتصادی فراهم شد. فرآیند خصوصی سازی از سال ۱۳۶۸ در چارچوب سیاست های تعدیل اقتصادی و در قالب برنامه پنج ساله اول (۱۳۶۸-۷۲) آغاز شد".

سازمان خصوصی‌سازی در سال ۱۳۸۰ شکل گرفت. این سازمان با استناد به ابلاغ بند «ج» سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغی توسط خامنه‌ای در سال ۱۳۸۵ خواستار سپردن پیشبرد امر اجرای خصوصی سازی که تا آن موقع در دست دولت بود، به سازمان خصوصی سازی شد. در تیرماه سال ۱۳۸۷، سازمان خصوصی‌سازی موظف گردید تا در چارچوب اساسنامه جدید رسماً پروژه‌های خصوصی سازی را آغاز کند. از اواخر

دهه هشتاد شمسی استارت خصوصی سازیها زده شد. لیست صدها شرکت و کارخانجات دولتی تهیه و با صدور آگهی‌های مناقصه و مزایده و واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی به جریان افتاد.

با آغاز اجرای خصوصی سازی رقابتها و اختلافات باندهای حکومتی و کانون‌های پر قدرت در درون نظام نیز شدت گرفت. خصوصی سازی موافقان و مخالفان در راس نظام پیدا کرد. باندهایی که از قبل سیاستهای جدید اقتصادی حکومت، بویژه خصوصی سازی و واگذاریها ضرر و زیان خود را میدیدند، در مقابل دولت که مسئول اجرای این سیاست بود، صف آرایی کردند. در این میان دولت احمدی نژاد اولین دولتی بود که می‌بایست این پروژه را طبق سیاستهای اعلام شده از طرف خامنه‌ای پیش می‌برد؛ با مقاومت‌های باندهای دیگر حکومت مواجه شد. اما مهمترین مقاومت و مبارزه در برابری خصوصی سازی از جانب طبقه کارگر بود که متعاقباً به آن پرداخته میشود.

انتقاد باندهای مخالف خصوصی سازی این بود که آنچه صورت می‌گیرد "خصلتی سازی" و شبه دولتی سازی است نه خصوصی سازی به "معنای واقعی". اینها معتقد بودند بخش خصوصی در اقتصاد ایران هرگز نتوانسته جای پای محکمی پیدا بکند چرا که راس نظام با خصوصی سازی واقعی مشکل دارد و تلاش می‌کند خصلتی سازی را به جای خصوصی سازی واقعی جا بزند. اینها مدعی بودند که بند ناف این پروژه هنوز به سیاستهای کلان نظام بسته و دستوری است. و تا آزاد سازی نهایی قوانین دست و پاگیر دولتی ناظر بر خصوصی سازی صورت

نگیرد، که چیزی جز خروج کامل و کنار رفتن دولت از اقتصاد نیست، کاری پیش برده نخواهد شد. با اوج گیری اختلافات باندهای حکومتی حول و حوش خصوصی سازیها، خامنه‌ای رسماً پشت احمدی نژاد رفت و دولت وی مدعی شد: "ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ و اهتمام دولت احمدی نژاد به امر خصوصی سازی و توزیع ثروت کشور در میان مردم از طریق طرح سهام عدالت سبب شد تا یکی از دغدغه‌های اصلی رهبری در سالهای اخیر، تا حد زیادی مرتفع شود. آمارها نشان می‌دهد که ارزش واگذاری سهام شرکتهای دولتی در دولت احمدی نژاد ۵۰ برابر ارزش واگذاری‌ها در دولت اصلاحات است". گزارش دولت.

تضاد منافع باندهای حکومتی، کوتاه کردن دستهای یک باند حکومت از مالکیت کارخانجات بزرگ، کم شدن رانت و فساد در باند دیگر حکومت، افشاگرهای باند موافق خصوصی سازی علیه باند در قدرت، کشمکش‌ها و دعواهای درونی جناح‌های حکومت را به اوج رساند. باندهای دزد حکومت به جان هم افتاده و هر یک آن دیگری را مسئول رکود تولید و

شکست سیاستهای خصوصی سازی اعلام کرده و همدیگر را متهم به رانت و فساد در ماجراهای واگذاریها کردند.

در این میان خامنه‌ای و باند احمدی نژاد تمام پروژه خصوصی سازی و واگذاریها را در دست خود قبضه کرده و نهادهایی چون سپاه، بسیج و وزارت اطلاعات و بیت رهبری را در راس صاحبان و کارخانجات بزرگ و کلا اقتصاد و صنعت وارد کردند. نکته‌ای که به مذاق باند مخالف، نظامی کردن اقتصاد و بازگذاشتن دست نهادهای نظامی برای تعیین سیاستهای اقتصادی در مسیر سیاستهای مورد نظر خامنه‌ای نام گذاری شده است. آه و ناله‌های اینان بیشتر متوجه شکل واگذاری یا آنچه اینها خصلتی سازی می‌نامند، بود و نگران کم شدن رانت و فساد و دزدیهایشان بودند.

آنچه که به عنوان خصوصی سازی یا واگذاریها به بخش خصوصی در جمهوری اسلامی تا کنون عمل شده است، به اعتراف خود باندهای بانفوذ حکومت، خصلتی سازی و شبه دولتی سازی بوده تا خصوصی سازی به معنای

از صفحه ۱۱
واقعی کلمه! اینکه
خصوصی سازی واقعی و
مورد نظر برخی باندهای
حکومت چه می باشد،
خود موضوع دیگری است.
خامنه ای و کل نظام با
تغییر مالکیت صاحبان
صنایع و کارخانجات این
بار به بهانه خصوصی
سازی و واگذاری سهام
شرکت های دولتی به
مردم، موفق شدند
سیاستشان را به پیش
ببرند. یک جنگ واقعی بین
باندهای حکومت برای
تصاحب هر چه بیشتر
ثروت و پول و امکانات،
رانت و دزدی و.. شکل
گرفت که تا به امروز ادامه
دارد.

اما اثرات و تبعات
خصوصی سازیها یا
واگذاریها بر اقتصاد بحران
زده و وضعیت کارگران چه
بوده است؟

خصوصی سازیها که
خامنه ای و احمدی نژاد از
آن به عنوان "انقلاب
اقتصادی" یاد کرده اند،
عملاً تیشه به ریشه اقتصاد
بحران زده حکومت زده
است. ابعاد تأثیرات این
سیاست بر زندگی طبقه
کارگر و بخش های محروم
کارکنان جامعه به مراتب
بیشتر و نابود کننده تر
بوده است. نامه این مقام
حکومتی که در بالا اشاره
شد و می گوید بیش از
۵۰۰ هزار کارگر در اثر
اجرای سیاستهای
خصوصی سازی از سال
۱۳۸۴ تا به امروز بیکار
شده اند، فقط گوشه
بسیار کوچکی از عوارض
اجرای سیاستهای
خصوصی سازی یا همان
خصولتی سازی در ایران را
بیان میکند. ابعاد اخراج
ها بسیار بیشتر از آمار
های حکومتی است. این
آمار مربوط به ۸۰۰ شرکت
بزرگ و غول های صنعتی
حکومتی است که
واگذار شده اند. به این
آمارها باید اخراج صدها
هزار کارگر شاغل در صدها
شرکت اقماری و زیر

مجموعه های غول های
بزرگ اقتصادی حکومت را
نیز اضافه کرد، که در
نتیجه اجرای این
سیاستهای ویرانگر بیکار
شده اند.

در دوره دولت روحانی
این سیاست ها باز هم با
تأیید خامنه ای به پیش
برده شد. بیان کار
خصوصی سازی که دولت
روحانی داده بود، نه فقط
بهبودی را نشان نمیداد،
بلکه نشان میداد که رکود و
ورشکستگی اقتصاد و
واحدهای تولید بیشتر هم
شده است. اکنون رئیسی
دولت را در دست دارد.
وی هم همان سیاستها را
اساساً به پیش می برد که
بخشی از آن را در اجرای
سیاست "جراحی اقتصادی
اش" اعلام کرده است.

خصوصی سازی به
شیوه جمهوری اسلامی،
اثرات و تبعات ویرانگری
بیش از همه بر کل طبقه
کارگر صنعتی در ایران وارد
آورده است. مرکز پژوهش
مجلس دو سال پیش در
اوایل شروع بیماری کرونا
اعلام کرد که در ادامه
سیاستهای خصوصی
سازی و با شیوع بیماری
کرونا و تعطیلی واحدهای
تولیدی، کمبود مواد اولیه
بیش از یک میلیون کارگر را
در آستانه بیکار شدن قرار
داده است.

یک محور مهم ادامه
سیاست خصوصی سازی
سودآور کردن شرکت های
زیان ده دولتی و یا بخش
اقتصاد دولتی است. دولت
به این نتیجه رسیده است
که در آمدها و باروری
اقتصادی اش کمتر شده،
تکنیک و فن آوری تولید
علیرغم تقلایهای حکومتی
برای خودکفایی، به جایی
نرسیده و درجا می زند و
کیفیت تولیدات پائین
آمده است. هزینه تولید
بیشتر شده و سودآوری
صنایع کمتر شده است.
خودشان می گویند اینها
همه علائم بیماری
اقتصادی مزمنی است که
اقتصاد حکومت به آن

مبتلا شده است. اینها همه
توجیهات حکومت برای
اجرای سیاستهای
خصوصی سازی است.
اخراج و بیکارسازیهای
گسترده صدها هزار کارگر
به بهانه کمبود نقدینگی،
کمبود مواد اولیه، پائین
بودن کیفیت تولید و بالا
بودن هزینه های تولید،
عدم رقابت با تولیدات
مشابه خارجی و... خمیر
مایه اصلی اجرای سیاست
خصوصی سازی است که
به این بهانه، حکومت و
کارفرمایان تعرضات
گسترده ای به سطح
معیشت و زندگی کارگران را
سازمان دادند. نگاهی به
صفحات سایت های
اینترنتی که اعلام
ورشکستگی واحدهای
تولیدی و اخراج هزاران
کارگر را منتشر می کنند،
نشان می دهد که ابعاد این
فاجعه اقتصادی که
حکومت و سیاستهایش بر
جامعه تحمیل کرده است،
تا چه اندازه شیرازه
اقتصادی و اجتماعی کشور
را بیش از پیش به هم
ریخته و همزمان کل
حکومت و اقتصادش را به
بن بست کامل رانده است.
بن بست که راه حلی برایش
متصور نیست.

اما در طول همین دو
دهه گذشته کارگران بخش
های بزرگ و متشکل
صنعت و اقتصاد هم
ساکت ننشسته اند. از
حدود ۱۵ سال پیش سوت
اعتراض به خصوصی
سازیها و تعدیل نیرو یا
اخراج های گسترده کارگران
توسط فعالین و رهبران
عملی جنبش کارگری زده
شد. دهها مبارزه و
اعتصاب پرشور و گاه با
چند ماه تداوم علیه
سیاستهای خصوصی
سازی شکل گرفت. نسل
دیگری از رهبران کارگری و
فعالین به صحنه آمدند که
تبدیل به رهبران کارگری
برجسته در واحدهای
تولیدی با هزاران کارگر
شدند. خصوصی سازی با
سد اعتراض، مقاومت و
مبارزه طبقه کارگر روبرو

شد که هنوز هم ادامه
دارد. در خیلی از جاها
کارگران موفق شدند این
سیاست دولت را عقب
بزنند. مبارزات و
اعتصابات کارگران علیه
واگذاریها در شرکتهای
کشت و صنعت مغان،
هفت تپه، ماشین سازی
تبریز، آذربای، نساجی
مازندران و قائمشهر،
کارخانه ارج، آلومینیوم
المهدی، فولاد خوزستان،
هیپوکوی اراک، ماشین سازی
اراک و... نمونه های ای
مبارزات پر شور کارگران
برای مقابله یا این
سیاستهای حکومت بوده
است. کارگران علناً اعلام
کرده اند که مخالفت با
خصوصی سازی به معنای
دفاع از دولتی سازی
نیست. بلکه بر خواستهای
مستقل خود نظیر امنیت
شغلی، افزایش دستمزدها
به بالای خط فقر و حق
تشکل و امثال اینها تأکید و
پافشاری دارند.

خصوصی سازی در
جمهوری اسلامی، رانت و
فساد و دزدیهای دهها هزار
میلیاردی برای باندهای
مختلف حکومت به همراه
داشته است. و در واقع این
اساس این سیاست است.
غارث و چپاول، تلاش برای
تصاحب هر چه بیشتر
ثروت و امکانات مالی و
اعتباری توسط باندهای
حکومتی یک محور
همیشگی این سیاست بوده
است. متقابلاً افزایش
زندن از امکانات
چندرغازی که شامل حال
کارگران واحدهای واگذار
شده می شده، از قبیل بیمه
بیکاری؛ بیمه درمانی و برخی
مزایای دیگر، سطح
معیشت و زندگی طبقه
کارگر را با مخاطرات جدی
روبرو کرده است.

صدها هزار کارگر اخراج
شده در نتیجه این
سیاستها بدون هیچ منبع
درآمد و بدون هیچ امیدی
به صف لشکر بیکاران
میلیونی رانده شدند. در
چند سال گذشته که
اعتراضات کارگران علیه
خصوصی سازیها ادامه
داشته، دولت و کارفرمایان

مجبور شدند برای آرام
کردن اعتراضات وعده
هایی به کارگران تعدیل
شده بدهند. وعده هایی
نظیر پرداخت علی
الحساب مبلغی و وعده باز
گشت به کار در صورت راه
اندازی دوباره واحدهای
تولیدی و... بنابر گزارشات
حکومتی صدها هزار کارگر
تعدیل شده در یک دهه
گذشته ناچاراً شغل خود را
عوض کرده اند. نزدیک به
۴۵ درصد شغل دیگری
انتخاب کرده اند. ۵۰
درصد به کارهایی با اشتغال
و قرارداد موقت و با کمترین
دستمزدها روی آورده اند.

اعتراض و مبارزه و
مقابله طبقه کارگر با
سیاستهای خصوصی
سازی جمهوری اسلامی
کاملاً برحق بوده و
همانگونه کارگران بارها در
بیانیه های خود اعلام کرده
اند مقابله با خصوصی
سازیها، مقابله با تشدید
استثمار و اخراجها و بدتر
شدن شرایط کار است. این
مبارزات باید با قدرت ادامه
یابد. خصوصی سازی یعنی
کار ارزان کارگر خاموش،
یعنی اخراج و بی تاهینی و
آینده ای نامعلوم یا بدترین
شرایط کار. دولت آیت الله
قاتل رئیسی نیز همان
سیاستها را به پیش می برد.
در نتیجه مبارزه طبقه
کارگر علیه خصوصی
سازی، مبارزه ای سیاسی
بر علیه کل سیاستهای
خانمان برانداز حکومت
دزدان و قاچاقچیان اسلامی
سرمایه است. برای به
عقب زدن این سیاستها
باید سراسری متحد شد،
تشکل ایجاد کرد و
اعتصابات سراسری را
سازمان داد. راه دیگری به
غیر از این متصور نیست.



یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

انترناسیونال حزب کمونیست ایران

مردم ایران رژیم سیاه اسلامی و حامیان مرتجعش در پارلمانها و دولتهای اروپایی را رسوا خواهند کرد و مهر باطل شد بر چنین قراردادهای سیاه و تروریست پروری خواهند زد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری در کنار مردم آگاه و آزادیخواه بلژیک و کل جهان علیه این اقدامات تروریست پناهی که علیه منافع میلیونها زن و مرد و پیر و جوان در ایران است خواهد ایستاد.

نیض ما با نیض جهان آزادیخواه و ضد تروریسم رسمی و همکارانش میزند. سیاست بایکوت و انزوی هرچه بیشتر رژیم تروریست، گروگانگیر و باجگیر جمهوری اسلامی مورد حمایت ما و نیاز جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه در ایران و سراسر جهان است.

حامیان و مدافعین تروریسم جمهوری اسلامی را طرد و افشا کنیم! رژیم جنایتکار اسلامی را بایکوت کنید! سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۶ جولای ۲۰۲۲

هشتکهای زیر را توییت کنید:

#DontFreeTerrorists
#AsadilsTerrorist
#جمهوری_اسلامی_سرز

گون_سرنگون
#به_حزب_کمونیست
_کارگری_بپیوندید

برای تقاضای عضویت، همکاری، ارسال پیام و گزارش از طریق:

پیامگیر تلگرام:
@wpi_tamas
فرم مقدماتی عضویت در حزب:

http://wpiranfa.com/?p=173

حامیان و مدافعین تروریسم جمهوری اسلامی را طرد و افشا کنیم! کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۶ جولای ۲۰۲۲

عملیات گروگانگیری در ابعاد بسیار گستردهتری ادامه می‌یابد، این بار دک و دستگاه تروریستی و جاسوس زده اطلاعات سپاه بعد از از رده خارج شدن طائب در عملیاتی خیلی عجیب برخی از افراد مرتبط با سفارتخانه‌های خارجی از ۳ کشور را که مشغول جاسوسی و خاک و سنگ برداشتن در حاشیه کویر بوده‌اند را شناسایی و دستگیر کرده می‌کنند.

“جیمی تاکر” معاون سفیر انگلیس با خانواده، “maciej walczak” رئیس بخش بیولوژیکی و بیوفناوری دانشگاه کوپرنیک لهستان که دانشگاهی مرتبط با رژیم صهیونیستی معرفی میشود و “رونالد گشین” همسر رایزن فرهنگی سفارت اتریش بجرم برداشتن خاک کویر در جیب دستگیر شده‌اند

قرار است آقای معاون سفیر انگلستان بعد از عذر خواهی اخراج و لابد تکلیف کروگانهای دیگر و تعیین نرخ در زدوبند و معامله با دول فحیمه دمکراسی در اتریش و لهستان تعیین میشود.

این نتیجه فوری و بلاواسطه معامله کثیف با تروریستهای حاکم بر ایران است.

افکار عمومی در بلژیک و در سراسر جهان همدوش

خامنه‌ای” و سرنگونی جمهوری اسلامی را حتماً روسای دول فحیمه دمکراسی هم شنیده‌اند! میدانند که چشم‌انداز و افقی برای نیروهای ارتجاعی حافظ منافع سرمایه در ایران وجود ندارد. میدانند که جنبشی از اعماق جامعه حاکمیت سیاه سرمایه در ایران را نشانه رفته است. مصلحت پراگماتیستیشان در کنار آمدن با فاشیسم و تروریسم در چهارچوب شرایط موجود است. همانطور که افغانستان را تحویل طالبان دادند و همانطور که در گذشته با پینوشه در شیلی، فرانکو در اسپانیا کنار آمدند و همکاری کردند و می‌کنند.

اما در ایران با جنبش پطراوت مردمی متحد و آزاد روبرو هستند که جاروکردن نظام اسلامی را از سر راه زندگی در دستور دارد. همان جنبشی که خامنه‌ای همه کاره نظام ترور و اعدام را و امیدارد که اعلام کند: رژیمش در “شرایط ماندن و رفتن” سال ۱۳۶۰ بسر میبرد و آرزوی چند صباح بیشتر ماندن را غرغر می‌کند.

اما هنوز جوهر امضا چک سفید به اوباش حاکم بر ایران در کمیسیون روابط خارجی پارلمان بلژیک خشک نشده که



قضائیه در دمکراسی اروپایی میزند و اعلام میکند که منافع دولت سرمایه‌داران بر تمام موازین حقوق بشری ادعایی آنها میچربد و ارجح است.

وزیر دادگستری اعلام میکند که این لایحه بنفع منافع ملی بلژیک است و اگر تصویب نشود جان شهروندان بلژیکی در خطر خواهد بود.

آیا در گفتگوها و زدوبندهای محرمانه سران و کاریدستان رژیم به ایشان تضمین داده شده است که از این بیعد هیچ فرد بلژیکی و اروپایی در ایران بوسیله ایادی رژیم اسلامی به گروگان گرفته نخواهند شد؟ چرا بمحض اعلام این رای حسین امیرعبدالللهیان وزیر خارجه رژیم تروریستی جمهوری اسلامی پس از تماس تلفنی با “آن لینده” همتای سوئدیش میگوید: “جمهوری اسلامی تمام تلاش برای آزادی حمید نوری را بکار خواهد بست.” آیا این تلاش بجز از راه گروگانگیری قرار است انجام گیرد؟

ناگفته پیداست که این مصالحه‌ها و زدوبندها بی‌ربط به وضعیت متزلزل رژیم اسلامی در ایران نیست. فریادهای “مرگ بر

لایحه دولت بلژیک برای آزادی اسدالله اسدی دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی در کمیسیون روابط خارجی پارلمان بلژیک به تصویب رسید و قرار است پنجشنبه آینده در صحن علنی مجلس به رای گذاشته شود.

دولت و کمیسیون مربوطه عملاً تصویب کردند که تصمیم‌گیرنده آزادی تروریستهای اعزامی رژیم جمهوری اسلامی به اروپا خود سازماندهندگان ترور در ایران خواهند بود. به این ترتیب دولت بلژیک رسماً و قانون به تروریستهای جمهوری اسلامی مجوز ترور در اروپا و بازگشت به آغوش مهربان اسلام را علیرغم اثبات جرم آنها و محکومیتشان در دادگاههای اروپا میدهد.

دولت بلژیک از طرف کل اتحادیه اروپا با ادعای حمایت از اروپائیان گروگان گرفته شده در ایران با گروگانگیرها همکاری میکند و چراغ سبز گروگانگیری و باج‌خواهی را به سردمداران یکی از کثیف‌ترین سازماندهندگان تروریسم در داخل و خارج ایران صادر میکند!

دولت بلژیک عملاً مهر باطل شد بر استقلال قوه

کرده و بر آزادی فوری بازداشت شدگان و پاسخگویی به مطالبات کارگران تأکید دارد. بیش از سه هزار کارگر اعتصابی معدن سونگون با خانواده هایشان جمعیت بزرگی هستند. مردم این منطقه نیز که دوستان و نزدیکانشان شاغل در معدن سونگون هستند همواره حامیان این کارگران بوده اند. حزب بر شرکت وسیع خانواده و حمایت گسترده مردم منطقه در دفاع از کارگران اعتصابی معدن سونگون و خواستهها و مطالباتشان تأکید دارد. بیش از سه هزار کارگر معدن سونگون با اتکاء به مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی و با حضور فعال خانواده ها میتوانند همکاران بازداشتی خود را آزاد و با قدرت بیشتری پیگیر مطالباتشان شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ تیر ۱۴۰۱، ۷ ژوئیه ۲۰۲۲

استان آذربایجان شرقی و در محدوده روستای تخریب شده سونگون ورزقان قرار دارد و بزرگ ترین معدن مس خاورمیانه است. در این معدن 5000 کارگر در 43 شرکت مشغول به کار هستند. طی سه روزه اخیر بیش از 3000 کارگر شاغل در پیمانکاری 5 شرکت آهن آجین، مبین، نواوران، زحل و ندای رهاوی در این معدن در اعتصاب شرکت داشتند. این کارگران چند ماه است که با خواستههایی چون اجرای کامل طرح طبقه بندی که خود مبلغی ناچیز به حقوقهایشان اضافه میکند و همسان سازی حقوق کارگران پیمانی و رسمی، و همچنین در اعتراض به قراردادهای برده وار پیمانی در حال اعتصاب و اعتراضند و به جز وعده چیزی نصیب آنها نشده است.

حزب کمونیست کارگری
حمله نیروی انتظامی به کارگران اعتصابی معدن سونگون را شدیداً محکوم

معدن سونگون ورودی معدن را مسدود کردند تا مانع از خروج کستانتیره از معدن شوند. شب گذشته نیز در حالیکه دمای هوا حدود ده درجه بود بیش از ۱۲۰۰ نفر از کارگران اعتصابی سونگون شب را در داخل چادر یا ماشینهای خودشان یا بر روی آسفالت محوطه سپری کردند و امروز در محوطه شرکت تجمع داشتند. بنا بر گزارشات جمع امروز شانزدهم تیرماه نیروی انتظامی وحشیانه به اعتصابیون یورش برد و کارگران با آنها درگیر شدند. در جریان این حمله تعدادی از کارگران دستگیر شده اند. بنا بر خبرها کارگران بازداشتی به زندان اهر منتقل شده اند که اسامی برخی از بازداشت شدگان سه روز اخیر عبارتند از: ولیالله محمودی، ارشد کاظمپور، جعفر عباسپور، مهرداد منفرد، خدایی، سعید جباریان و فرزاد زالی زاده. معدن مس سونگون در

سومین روز اعتصاب کارگران معدن سونگون



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

روز پنجشنبه ۱۶ تیرماه اعتصاب کارگران پیمانکاری شرکت های مس سونگون ورزقان در اعتراض به عدم پاسخگویی خواستههایشان وارد سومین روز خود شد. از همان آغاز شروع اعتراضات کارگران معدن سونگون نیروی امنیتی و یگان ویژه در محل مستقر گردید و با دستگیری دو نفر و تهدید کارگران به حمله به چادرهایشان تلاش کردند اعتراض کارگران را عقب بزنند. حتی با دستور مدیریت آشپزخانه شرکت تعطیل شد و مانع از انتقال آب آشامیدنی برای مصرف کارگران شدند. اما علیرغم این فشارها و تعرضات خشم کارگران را شدت بیشتری داده و کارگران مصممتر به اعتصاب خود ادامه میدهند. روز گذشته کارگران

روز پنجشنبه ۱۶ تیرماه اعتصاب کارگران پیمانکاری شرکت های مس سونگون ورزقان در اعتراض به عدم پاسخگویی خواستههایشان وارد سومین روز خود شد. از همان آغاز شروع اعتراضات کارگران معدن سونگون نیروی امنیتی و یگان ویژه در محل مستقر گردید و با دستگیری دو نفر و تهدید کارگران به

علنی اعلام نمی کنند. تلاش می کنند با بسیج و سازماندهی افراد نظامی در پوشش لباس معمولی، وانمود کنند که گویا مردم از این آیت الله قاتل و عضو هیئت مرگ استقبال به عمل آورده اند. رئیسی پیش تر در این سفرها به هر شهری رفته است، با اعتراض مردم روبرو شده است. اکنون سفرهای استانی او در حالی صورت می گیرد که اعتراضات معلمان، بازنشستگان، کارگران و مردم بستوه آمده از حکومت فلاکت و جنایت با سر دادن شعارهای "مرگ بر رئیسی و خامنه ای"، "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، به امری هر روزه در کف خیابانها تبدیل شده است.

مردم مبارز شهرهای کردستان!

رئیسی می خواهد به محل جنایت خلخالی و دیگر سران حکومت سر بزند. همانگونه که مردم

به رئیسی کردستان اعتراض کنیم

رئیسی یکی از سرکرده های قاتلان حکومت اسلامی نزدیک به یکسال وقت نیاز داشت تا در نهایت تصمیم بگیرد که به کردستان برود. پیش تر قرار بود اول مهر ۱۴۰۰ بدون سروصدا این سفر را انجام دهد اما آنرا لغو کرد. بار دوم ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ بود که بعد از رفتن به ارومیه، پیرانشهر، میاندوآب و مهاباد می خواست به سنندج برود اما باز هم جرات نکرد. اکنون می خواهد پنجشنبه ۱۶ تیر به کردستان برود. رئیسی و هر مقام دیگری از حکومت کارشان به جایی رسیده است که در وحشت از اعتراضات مردم بدون تبلیغات و بدون سروصدا راه انداختن آنرا



باید با آمادگی و با گسترش اعتراضات خود علیه قاتل جوانان مردم، آمدن رئیسی به کردستان را به رسوایی دیگری برای حکومت اسلامی تبدیل کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
۱۳ تیر ۱۴۰۱، ۴ ژوئیه ۲۰۲۲

کنند. مردم کردستان هیچگاه برای مهره ها و کل پیکره حکومت اسلامی از خمینی و خلخالی تا خامنه ای و رئیسی و سایر اوباش جنایتکار حکومت و مزدوران محلی شان تره خورد نکرده اند و کاریدستان حکومت از ولی فقیه گرفته تا رئیسی عضو هیئت مرگ و دیگر مقامات سرکوب آن به خوبی می دانند که چنین مانورهای مسافرتی کمکی به بقای آنها نخواهد کرد.

در برخی شهرها با اعتراض و خشم و نفرت از او استقبال کردند، باید کاری کرد که قاتل جوانان و یکی از بانیان فقر و گرسنگی مردم جرات مانور دادن در این شهر و آن شهر پیدا نکند. مردم شهرهای کردستان از همان روزهای ظهور این حکومت داعشی با تمام قوا در مقابل آن ایستادند و به اشکال مختلف به مبارزه دست زدند تا جلو حاکمیت سیاه این جنایتکاران را سد

ادامه اعتصاب بزرگ کارگران معدن سونگون، تجمعات اعتراضی کارگران مخابرات شهر کرد و یک خبر دیگر

روز ۱۵ تیر کارگران مجتمع مس سونگون ورزقان در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان اعتصاب خود را برای دومین روز ادامه دادند. بازداشت دو نفر از کارگران معترض این معدن ولی‌الله محمودی و ارشد کاظم‌پور به اعتراض کارگران شدت داده است. ولی‌الله محمودی نماینده کارگران اعتصابی شرکت‌های پیمانکاری شاغل

در مجتمع مس سونگون بالغ بر ۳۰۰۰ نفر هستند. این کارگران در دومین روز اعتصاب خود ورودی معدن را مسدود کردند تا مانع از خروج کنستانتاره از معدن شوند. آنها چند ماه است که با خواسته‌هایی چون اجرای کامل طرح طبقه بندی که خود مبلغی ناچیز به حقوق‌هایشان اضافه میکند و همسان سازی حقوق کارگران پیمانی و رسمی، و همچنین در اعتراض به قراردادهای برده وار پیمانی در حال اعتصاب و اعتراضند و هر بار به آنها وعده ای داده شده و به آن عمل نشده است.

در دومین روز اعتصاب کارگران معدن مس سونگون، امروز نیروی

امنیتی و یگان ویژه در محل مستقر است و کارگران به حمله به چادرهایشان تهدید شده اند. بعلاوه با دستور مدیریت آسپزخانه شرکت تعطیل شده است و مانع از انتقال آب آشامیدنی برای مصرف کارگران شده‌اند. در مقابل کارگران اعلام کرده اند که اگر چنین تعرضاتی ادامه یابد اعتراض خود را به خیابانها خواهند کشید. کارگران این معدن روز گذشته بر تداوم تجمعات خود تا رسیدن به خواسته‌هایشان و آزادی دو همکار بازداشتی خود تاکید کردند و با برپایی چادر شب را در محل ماندند. بنا بر خرها نهادهای امنیتی کارگران بازداشت شده را تحت فشار قرار داده‌اند و آزادی آنها را منوط به اعلام

پایان تجمع و اعتصاب کارکنان مخابرات استان ایلام در همین رابطه دست به اعتراض زدند. - روز ۱۴ تیر کارگران شاغل در شرکت توسعه سیلوا در گل‌گهر سیرجان در اعتراض به بلا تکلیفی و عدم پرداخت حقوقشان دست به تجمع زدند. به گفته کارگران در اعتراض به کاهش و حذف دستوری حق جذب و فریز کمک هزینه های رفاهی ساختمان اداری در گل‌گهر سیرجان توسط مسئولان شرکت توسعه سیلوا از تداوم کار منع شده و پرسنل این طرح نیز در حال حاضر تحت شرایط بلا تکلیفی شغلی به سر می‌برند. حزب کمونیست کارگری ایران ۱۵ تیر ۱۴۰۱، ۶ ژوئیه ۲۰۲۲

۱۵ تجمعات خشم بازنشستگان اجتماعی در چندین شهر اعتراضات بازنشستگان تداوم دارد

اعتراضات بازنشستگان هر روزه شده است. امروز پانزدهم تیر در کرمان، اهواز، شوش، شوشتر، دورود، اصفهان و کرمانشاه بازنشستگان تامین اجتماعی به خیابان آمدند و شعار دادند و با خشم خواسته‌هایشان را فریاد زدند. روز گذشته در کرمانشاه و خرم‌آباد نیز اعتراضات در جریان بود. یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان نیز ادامه دارد. بازنشستگان بحق عصبانی و خشمگین هستند. مدتهاست به حقوقها و دریافتی های زیر خط فقر اعتراض میکنند و جوابی نمیگیرند. بازنشستگان به سطح نازل حقوقها، سونامی گرانی، تعیین افزایش دستمزد و عدم تحقق خواسته‌هایشان است و ابعاد گسترده آن

فضایی از اعتراض در شهرهای مختلف را ایجاد کرده است. در اهواز جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان در مقابل استانداری تجمع داشتند و سپس مثل روزهای گذشته با سر دادن شعارهای اعتراضی خود در شهر راهپیمایی کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "ما به جز حق نمیخواهیم، صدقه دولت شش کلاس، همین روزا خلاصه"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند"، "ننگ ما، ننگ ما، مخبر الدنگ ما"، "ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما"، "رئییی دروغگو، حاصل وعده هات کو؟"، "دولت قانون شکن، شرت را از ما بکن"، "مخبر بی لیاقت استعفا، استعفا"، و "بازنشسته داد بز، حق تو فریاد بز". با این شعارها پیام کارگران به حکومتیان اینست که نمی توانند با دست به دست کردن موضوع بین دولت و مجلس کارگران را سر بردانند. چهارماه از آغاز سال گذشته و هنوز تکلیف میزان افزایش حقوقهای بازنشستگان روشن نشده

است و گرانی ها نیز بیداد میکند. در این حرکت اعتراض بازنشستگان با راهپیمایی سرود آزادی "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، مرگ بر این بردگی" را سر دادند و کل بساط توحش و بربریت حاکم را به چالش کشیدند. در این تجمع بنرهایی با نوشته های "حقوق طبق تورم"، و "نه به حقوقهای زیر خط فقر ۱۵ میلیونی" خواسته فوری کارگران بازنشسته را بیان میکرد.

- در کرمان نیز بازنشستگان سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی را سر دادند و با شعار "حسین، حسین، شعارشون، دزدی و غارت کارشون" استفاده از مذهب و خرافه برای سر کیسه کردن مردم را افشا کرده و اختلاسها و حقوقهای نازل را مورد اعتراض قرار دادند.

-در شوش نیز صدها نفر از بازنشستگان در تجمع شرکت داشتند بخشی از شعارهای آنها عبارت بودند از: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما"، "ظلم و ستم کافی، سفره

ما خالیه"، "وعده وعید چه خوب بود، ولی همش دروغ بود". در شوشتر بازنشستگان شعار میدادند: "توپ، تانک، فشفشه، مخبر باید گم بشه"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "دولت شش کلاس باعث اعتراضه" اعتراض بازنشستگان به برنامه ریاضتی حکومت موسوم به "جراحی اقتصادی" و "حمل گرانی و بی تاملی است. این اعتراض همه بخشهای مردم را بیان میکند. در حالیکه بازنشستگان هر روزه تجمع میکنند و علیه فقر و بی تاملی فریاد میزنند، حکومت با دست به دست کردن سعی میکنند آنها را سر بدواند. زیر فشار اعتراضات بازنشستگان روز سه شنبه، ۷ تیر تقاضای تحقیق و تفحص از شرکت شستا از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ مورد موافقت نمایندگان مجلس اسلامی قرار گرفت. بر اساس این تصمیم گروه تحقیق و تفحص قرار است که تخلف در سازمان تامین اجتماعی و شستا (شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی) را مورد بررسی قرار دهد. دبیر

کمسیون اصل نود مجلس اسلامی اعلام کرده است که در صورت "کشف تخلف" در شستا تیم تحقیق و تفحص باید رسماً شکایتی مکتوب در هر مورد خطاب به کمیسیون اصل نود تهیه کند که در آن کلیه موارد مورد بررسی قرار گیرند. مجلس اسلامی و تک تک سران حکومت که خود نیز یک پای دزدیها و اختلاس ها هستند با این لوایح و تلاشها تلاش دارند فضای اعتراض در میان بازنشستگان را کمی هم شده، آرام کنند. اما بازنشستگان با شعارهای اعتراضی شان کل حاکمیت را مسبب این وضعیت فاجعه بار خود میدانند. بازنشستگان با اعتراضاتشان وزیر کار را وادار به استعفا کردند و اکنون با شعارهایشان فریاد برکناری مخبر معاون رئیسی و بر کناری کل دولت را سر میدهند و خواستار پایان یافتن کل این دزدیها و تحمیل زندگی زیر خط فقر هستند. حزب کمونیست کارگری ایران ۱۵ تیر ۱۴۰۱، ۶ ژوئیه ۲۰۲۲

اعتصاب کارگران معدن سونگون، آزادی شماری از معلمان و دو خبر دیگر

ظهر امروز سه‌شنبه چهاردهم تیرماه کارگران پیمانکاری شرکت‌های آهن‌آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی شاغل در مجتمع مس سونگون ورزقان برای پیگیری خواسته‌ها و در اعتراض به خلف وعده‌های داده شده و بازداشت دو نفر از همکارانشان دست به اعتصاب زده و در محوطه معدن دست به تجمع زده‌اند.

کارگران معدن سونگون چند ماه است که با خواسته‌هایی چون اجرای کامل طرح طبقه بندی که خود مبلغی ناچیز به حقوق‌هایشان اضافه میکند و همسان سازی حقوق کارگران پیمانی و رسمی، و همچنین در اعتراض به قراردادهای برده وار پیمانی در حال اعتصاب و اعتراضند و هر بار به آنها وعده ای داده شده و به آن عمل نشده است.

بنا برگزارشات صبح امروز ۱۴ تیر در برابر اعتصاب کارگران نیروهای امنیتی در معدن و در شهر ورزقان به حال آماده باش در آمدند و دو نفر از کارگران معترض به اسامی ولی‌الله محمودی و ارشد کاظم‌پور را دستگیر کردند. ولی‌الله محمودی نماینده کارگران شرکت آهن آجین است. کارگران خواهان آزادی فوری همکاران خود هستند.

- صبح روز سه‌شنبه ۱۴ تیر کارگران مخابرات استان ایلام در اعتراض به کاهش حق جذب و فریز کمک هزینه‌های رفاهی و کاهش سطح دریافتی‌هایشان دست به تجمع زدند.

- صبح روز ۱۴ تیر نیروهای طرحی وزارت بهداشت در اعتراض به مشکلات معیشتی و استخدای خود مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند. بنا بر خبرها در بحبوحه پاندمی کرونا، وزارت بهداشت ایران برای حل مشکل نیروی پرستار که نسبت به معیارهای جهانی در وضعیت عادی هم بسیار پایین‌تر از معمول بود، فارغ‌التحصیلان رشته‌های پیرایشکی را به صورت "نیروی طرحی" و "نیروی ۸۹ روزه" استخدام کرد. و بعد از فروکش کردن پاندمی کرونا و آرام شدن وضع بیمارستانها اغلب این افراد، با وجود سابقه کار در شرایط دشوار و پرفشار دوران کرونا و از جان گذشتگی‌های بسیاری که برای نجات جان انسانها نشان دادند، از کار بی‌کار شده‌اند. طبق گزارشات در جریان بررسی طرح موسوم به "ساماندهی کارکنان دولت" در مجلس که برای تغییر وضعیت استخدام نیروهای شاغل در بخش‌های دولتی انجام می‌شود، این اخراج‌ها صورت گرفته است و پرستاران نسبت به این بی‌کارسازی‌ها معترضند. پرستاران مشمول این طرح از اعتراضات گسترده‌تر خود در هفته‌های آینده خبر داده‌اند. از اعتراضات پرستاران باید وسیعاً حمایت کرد. اخراج آنها در شرایط کمبود فاحش میزان پرستار در بیمارستانها تعرضی به شرایط درمان و بهداشت کل جامعه است و نباید اجازه داد.

- روز ۱۳ تیر هشت نفر از معلمان بازداشتی در شهر شیراز به اسامی مزگان باقری، ایرج رهنما، بهنام محمدی، رمضان ابونصری، مراد نوشادی، حسام الدین مظلومی، مرتضی رشیدی و عبدالرزق امیری که در جریان گردهمایی سراسری معلمان در ۲۶ خرداد بازداشت شده بودند، آزاد شدند. آزادی آنها را به این عزیزان، به خانواده‌هایشان و به معلمان و همگان تبریک می‌گوییم. بدون شک این آزادی نتیجه کارزار قدرتمندی است که معلمان علیه سرکوبگری‌های حکومت و برای آزادی همکاران بازداشت شده خود به پیش برده‌اند و حمایت‌های وسیع مردمی است که انعکاس وسیع جهانی نیز داشت. حزب کمونیست کارگری بر آزادی بدون قیدو شرط معلمان و کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی و بسته شدن کامل پرونده‌های امنیتی تشکیل شده برای معلمان معترض، فعالین کارگری و برای همه زندانیان سیاسی تأکید دارد. حزب همه کارگران را به پیوستن وسیع به کارزارهای مبارزاتی برای آزادی معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی فرا میخواند. با قدرت مبارزاتمان میتوانیم در زندانها را باز کنیم.

- بنا بر خبرهای منتشر شده کارگران و کارکنان شهرداری زرنه از توابع شهرستان ایوان واقع در استان ایلام از روز یکشنبه ۱۲ تیرماه دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند. این کارگران به تعویق پرداخت هفت ماه دستمزد و ۵۳ ماه بیمه و معوقات چند ساله صندوق بازنشستگی و مربوط به اضافه کاری، مأموریت و تعطیل کاری از سال ۹۴ تاکنون اعتراض دارند. این کارگران سالهاست که پیگیر معوقات مزدی خود هستند و از اردیبهشت امسال تاکنون اعتراضات متعددی انجام داده‌اند. اما به خواسته‌هایشان پاسخی داده نشده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ تیر ۱۴۰۱، ۵ ژوئیه ۲۰۲۲

تجمع بازنشستگان کشوری در بندر عباس، کرمانشاه و خرم آباد

اعتراضات بازنشستگان تداوم دارد

روز ۱۴ تیر بازنشستگان کشوری در سه شهر بندرعباس، کرمانشاه، و خرم آباد در اعتراض به افزایش ناچیز ده درصدی حقوق و گرانی روز افزون هزینه‌های زندگی مقابل صندوق‌های بازنشستگی در این شهرها دست به تجمع زدند. در کرمانشاه بازنشستگان از مرکز صندوق بازنشستگی تا میدان فردوسی و مسیر برعکس آنرا با فریاد "رئیس دروغگو، حاصل وعده‌ها ت کو؟" راهپیمایی کردند. بازنشستگان همچنین با شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" مردم را به پیوستن به صف اعتراض خود فرا میخواندند. در این تجمع و راهپیمایی حضور زنان بسیار چشمگیر بود. یکی از بنرهای قابل توجه تجمع بازنشستگان در کرمانشاه بنری با مضمون "تحقیر و زندان و حبس دیگر اثر ندارد" بود.

هم اکنون بخش‌های مختلف بازنشستگان علیه سونامی گرانی و سطح نازل حقوق‌هایشان در خشم و اعتراضند و یکماه است که خیابان‌ها را به صحنه اعتراض خود تبدیل کرده‌اند. بازنشستگان خواستار لغو فوری مصوبه هیات وزیران و تصمیم دولت به افزایش صرفاً ده درصد به حقوق‌هایشان و افزایش مستمری‌هایشان به بالای خط فقر هستند و در شعارهایشان بر افزایش حقوق به بالای خط فقر ۱۵ میلیونی تأکید کرده‌اند. درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن و نیز پایان دادن به اختلاسها و دزدی‌ها و سرکوبگریهای حکومت از دیگر مطالبات اعلام شده آنهاست. مبارزات بازنشستگان شایسته و وسیعترین حمایت‌هاست.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ تیر ۱۴۰۱، ۵ ژوئیه ۲۰۲۲

اعتصاب کارگران مجتمع مس سونگون وارد دو مین روز خود شد

(اطلاعیه شماره ۲)

روز چهارشنبه کارگران شرکت‌های پیمانکاری مجتمع مس سونگون ورزقان در ادامه اعتصابشان، برای دومین روز متوالی کار را تعطیل کرده و در محوطه معدن تجمع کردند. کارگران شب گذشته را نیز در داخل چادر یا ماشین‌های خودشان در اطراف محوطه معدن گذراندند.

مسئولان معدن، در یک اقدام ضد کارگری، از صبح امروز با دستور مدیریت مجتمع مس سونگون ورزقان آشپزخانه شرکت را تعطیل کرده و مانع از انتقال آب آشامیدنی برای کارگران شده‌اند.

هنوز دو نفر از کارگرانی که روز گذشته بازداشت شده بودند آزاد نشده و کارفرما کارگران را به سرکوب تهدید کرده است. لازم به توضیح است از روز گذشته و همزمان با آغاز اعتصاب کارگران، نیروهای امنیتی و سرکوبگر رژیم در اطراف معدن استقرار یافته‌اند.

کارگران شرکت‌های پیمانکاری شاغل در معدن سونگون از ظهر سه‌شنبه ۱۴ تیرماه در اعتراض به عدم تحقق مطالبات‌شان و بازداشت دو نفر از همکاران دست به اعتصاب و تجمع در محوطه مجتمع زده‌اند.

کارگران معدن سونگون چند ماه است که با خواسته‌هایی چون اجرای کامل طرح طبقه بندی، که خود مبلغی ناچیز به حقوق‌هایشان اضافه میکند، و همسان سازی حقوق کارگران پیمانی و رسمی و همچنین در اعتراض به قراردادهای برده وار پیمانی در حال اعتصاب و اعتراضند. هر بار به آنها وعده ای داده شده ولی به آن عمل نشده است.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از خواسته‌های برحق کارگران، تأکید می‌کند تنها با ادامه اعتراض و اعتصاب است که کارگران می‌توانند خواسته‌هایشان را به کارفرمایان تحمیل بکنند. لازم است که کارگران مجمع عمومی خود را برگزار کنند و متحدانه در مورد ادامه اعتصاب تصمیم‌گیری کنند. علاوه بر این دو کارگر دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند. جلب حمایت دیگر بخش‌های کارگران سونگون و اعتصاب همزمان آنها، تجمع همزمان با اعتصاب با حضور خانواده‌های کارگران اعتصابی، جلب حمایت مردم منطقه و خبرسانی مداوم از اعتصاب، میتواند نقش مهمی در به کرسی نشاندن خواست‌های کارگران بازی کند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ تیر ۱۴۰۱



تنها عقب نشینی نکردند بلکه شعار 'دانشجو میمیرد ذلت نمیپذیرد' به شعار اصلی و دانشگاه، هر چه بیشتر، به سنگر آزادیخواهی و مبارزه تبدیل شد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران شانزدهم تیرماه ۱۴۰۱

برای کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی گزارش و خبر ارسال کرده و همکاری کنید. با ما از طریق کانالهای زیر در لینک تماس بگیرید:
<https://linktr.ee/cfppi>

حمله به کوی دانشگاه تهران به اعتراضات گسترده مردم و دانشجویان در تهران و بعضی از شهرهای دیگر ایران تبدیل شد.

دو سال پس از حادثه کوی دانشگاه، قوه قضاییه رژیم همه نیروهای انتظامی و شبه‌نظامی درگیر را تبرئه کرد و فقط يك سرباز ساده به نام عروجعلی پیرزاده را به خاطر دزدیدن یک دستگاه ریش تراش محکوم کرد!

به دنبال حوادث ۱۸ تیر و تاثیر مهم آن بر جنبش دانشجویی، دانشجویان در کنار بقیه جنبش های اجتماعی به بیان خواسته ها و مطالبات مردم پرداختند. دانشجویان نه

سالها خواستار این بوده اند که بدانند چه بر سر سعید آمد و یا در کجا دفن شده است. در جواب تهدید و دستگیر شدند.

عزت‌الله ابراهیم‌نژاد، افسر وظیفه و دانشجوی سابق، که برای دیدار دوستان و همکلاسی‌های سابقش شب ۱۸ تیر به کوی دانشگاه رفته بود، به ضرب گلوله کشته شد.

فرشته علیزاده، دانشجوی دانشگاه الزهراء، علیه اعتراضات ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در کوی دانشگاه، همراه چندین دانشجوی دیگر دستگیر شد و در ادامه زیر شکنجه های پیاپی کشته شد و به شکل مخفیانه به خاک سپرده شد.

شکستند، وسایل و کتاب‌های دانشجویان را پاره کردند و از بین بردند و با حمله وحشیانه تعدادی از دانشجویان را از پنجره خوابگاه به پایین پرتاب کردند.

ضرب و شتم دانشجویان تا صبح ادامه داشت و با سرکوب گسترده چماق به دستان حکومتی بسیاری از دانشجویان آزادی خواه را دستگیر کردند، شکنجه دادند و کشتند.

در این بین تعدادی مفقود شدند که همچنان از آنها خبری در دست نیست. #سعید_زینالی از فعالینی است که در این جریان این اعتراض توسط ماموران رژیم ربوده شد. خانواده سعید در تمام این

اطلاعیه در هجدهم تیرماه صدای دانشجویان آزادیخواه هر چه رسانتر طنین انداز است

هجدهم تیر ماه ، سالروز یکی از وحشیانه‌ترین جنایت‌های رژیم اسلامی در دانشگاه‌ها است.

بیش از دو دهه از نیمه‌شب جمعه، ۱۸ تیر ۱۳۷۸، می‌گذرد، شبی که به خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران حمله شد. لباس‌شخصی‌ها و ماموران نیروی انتظامی در اتاق‌ها در خوابگاه را

یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایته و خرافاتی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بی‌شمار و تسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.